





هلینک

ویژه سخنرانان

جایگاه منبر و تبیین معارف دینی در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام





عنوان کتاب: هیئت: ویژه سخنرانان، جایگاه منبر و تبیین معارف دینی در مجالس عزای اهل بیت علیهم السلام

تهیه و تدوین: اداره تولیدات فرهنگی

نویسنده: واحد پژوهش دفتر فرهنگی فخرالائمہ علیهم السلام قم

ویراستار: سعیده تیمورزاده

صفحه آرا: محمودبازدار

ناشر: انتشارات قدس رضوی

چاپخانه: مؤسسه چاپ و انتشارات آستان قدس رضوی

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۴

نشانی: حرم مطهر، صحن جامع رضوی، ضلع غربی، مدیریت فرهنگی

صندوق پستی: ۳۵۱-۹۱۷۳۵ تلفن: ۰۵۱-۳۲۰۰۲۵۶۷

حق چاپ محفوظ است.



فهرست

۹ • مقدمه

۱۲ • روایات

۱۳ • ۱. جایگاه وعظ و منبر

۱۳ • ۱-۱. تأثیر نهاد منبر در جامعه

۱۴ • ۱-۲. جایگاه علمی مطلوب اهل منبر

۱۴ • ۱-۳. منبر؛ فرصت انسان‌سازی

۱۶ • ۲. اهداف وعظ و منبر

۱۶ • ۱-۲. موعظه برای تزکیه مردم

۱۷ • ۲-۲. تبیین معارف دینی

۱۸ • ۲-۲-۱. پاسخ‌گویی به نیاز واقعی جهانیان با معرفی حقایق اسلامی و معارف عاشورایی

۱۹ • ۲-۳. ارائه الگو با بیان مصائب و مرثی اهل بیت علیهم‌السلام

۲۱ • ۳. لوازم تحقق اهداف منبر

۲۱ • ۱-۳. تهذیب نفس

۲۱ • ۲-۳. آگاهی و بینش وسیع دینی

۲۲ • ۳-۳. دقت نظر در شناخت و معرفی اهل بیت علیهم‌السلام

۲۲ • ۳-۳-۱. جهت‌گیری محتوایی در اقامه عزای توسط روحانی مجلس

۲۳ • ۳-۳-۱-۱. افزایش حب مستمعان به اهل بیت علیهم‌السلام

۲۳ • ۳-۳-۱-۲. افزایش معرفت نسبت به حادثه عاشورا

- ۲۴ ۳-۳-۱. افزایش ایمان و معرفت دینی مردم
- ۲۶ ۳-۳-۲. شیوه مطلوب روضه‌خوانی در منبر
- ۲۶ ۳-۳-۲-۱. اتقان در واقعه‌خوانی
- ۲۷ ۳-۳-۲-۲. بیان ماجرا و هدف قیام امام حسین علیه السلام
- ۲۷ ۳-۳-۲-۳. استخراج مضامین و جمع‌بندی از نهضت حسینی

● ۲۸ ۴. کارکردهای منبر

- ۲۸ ۴-۱. پراکندن پیام معارف اسلامی در سطح جامعه
- ۲۹ ۴-۲. حفظ دین از طریق تبیین حرکت عاشورا
- ۳۰ ۴-۳. تأثیر بیشتر از دیگر رسانه‌ها به‌خاطر ارتباط چهره‌به‌چهره
- ۳۱ ۴-۴. ابزار مقابله با هر جریان باطل
- ۳۲ ۴-۵. بی‌اثرکردن تبلیغات حاکم بر جهان

● ۳۳ ۵. وظایف اهل منبر

- ۳۳ ۵-۱. وظایف فردی
- ۳۳ ۵-۱-۱. تجهیز به اندیشه‌های مستدل و ناب اسلامی
- ۳۴ ۵-۱-۲. ایمان قلبی به محتوای سخنرانی
- ۳۶ ۵-۱-۳. دریافت حقایق و تجارب از اساتید تبلیغ
- ۳۶ ۵-۱-۴. مطالعه قبل از منبر
- ۳۶ ۵-۱-۵. دعوت با عمل، پیش از دعوت زبانی
- ۳۷ ۵-۲. وظایف اهل منبر در قبال مخاطبان
- ۳۸ ۵-۲-۱. شناخت و گزینش مخاطب
- ۳۹ ۵-۲-۱-۱. توجه به نیازهای فکری مخاطب با شناخت نیاز زمان
- ۳۹ ۵-۲-۱-۲. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهه‌های جوانان
- ۴۱ ۵-۲-۲. محتوای قابل ارائه
- ۴۱ ۵-۲-۲-۱. مباحث اعتقادی
- ۴۱ ۵-۲-۲-۲. مباحث اخلاقی
- ۴۳ ۵-۲-۲-۳. تبیین اهداف قیام امام حسین علیه السلام
- ۴۳ ۵-۲-۲-۳-۱. عمل به احکام دین

- ۴۴. ۲-۳-۲-۲-۵. اصلاح جامعه
- ۴۵. ۳-۳-۲-۲-۵. ریشه‌کن کردن بنیان ظلم و جور
- ۴۶. ۴-۳-۲-۲-۵. اقامه حق و عدل با ایجاد حاکمیت دینی
- ۴۸. ۴-۲-۲-۵. تبیین اندیشه سیاسی اسلام
- ۵۰. ۵-۲-۲-۲-۵. تبیین ارتباط قیام حسینی با نهضت امام خمینی رحمته
- ۵۰. ۱-۵-۲-۲-۵. ریشه‌داشتن انقلاب اسلامی در قیام عاشورا
- ۵۳. ۲-۵-۲-۲-۵. دشمن‌شناسی و آگاهی‌دادن نسبت به وجود دشمنان انقلاب
- ۵۴. ۳-۵-۲-۲-۵. پیوند فرهنگ بسیج و شهادت با عاشورا
- ۵۵. ۴-۵-۲-۲-۵. تذکر نعمت انقلاب
- ۵۷. ۶-۲-۲-۵. توصیه به وحدت کلمه

● ۵۸. ۶. لزوم ایجاد سازوکار مناسب برای سازماندهی نهاد منبر

- ۵۹. ۱-۶. متولیان سازماندهی
- ۵۹. ۲-۶. اهداف مطلوب در سازماندهی نهاد منبر
- ۶۰. ۱-۲-۶. به‌روزرآوری روش‌های ارائه معارف

مقدمه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حمد و سپاس بی‌پایان خدای متعال را که پس از خلق فرزندان آدم، همگان را به طریق ارادت خویش فرا خواند و ما آدمیان را در شاهراه محبت و عشق خود مبعوث کرد.

﴿وَمَنْ يُعْظَمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ﴾^۱

و هر که شعائر الهی را بزرگ دارد، این کار نشانه تقوای دل هاست.

ائمه هدی علیهم السلام در بشارتی روح‌بخش به انسان‌های طالب لقای حق فرموده‌اند: «فَادْعُوهُ بِنَا»^۲ یعنی همه ما در راه تعالی و کمال خود و قرب به خداوند متعال ناگزیر از توسل به این انوار مطهر هستیم. طبق روایات هیچ راهی جز مکتب ائمه هدی علیهم السلام به سوی حق تعالی وجود ندارد و تمامی مکاتب و شرایعی که جز این مسیر نورانی، راهی برای رسیدن به خدا نشان می‌دهند، پایانی جز گمراهی و ضلالت ندارند. اگر چه همه اهل بیت علیهم السلام کشتی نجات هستند و تمسک به آنها انسان را از گمراهی نجات می‌دهد ولی بنابر روایات، سفینه‌الحسین در این راه، طالبان حقیقت را سریعتر به سرای مقصود می‌رساند و توسل به سالار شهیدان را نزد خدای متعال حساب دیگری است.

اکنون که این رشته محکم و نورانی در اختیار پیروان اهل بیت علیهم السلام قرار گرفته است، همه تلاش شیاطین بر آن است تا ما را از این نعمت عظیم غافل کنند یا با افزودن انواع خرافات و شبهات، محبان اهل بیت علیهم السلام را از بهره‌گیری از این نعمت

۱. حج، ۳۲.

۲. امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه کریمه ﴿وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا﴾ فرمودند: «نَحْنُ وَاللَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ الَّتِي لَا يَقْبَلُ اللَّهُ مِنَ الْعِبَادِ عَمَلًا إِلَّا بِمَعْرِفَتِنَا؛ به خدا قسم، ما اهل بیت، اسمای حسناى پروردگاریم؛ خدا عملی را از بندگان نمی‌پذیرد، مگر آنکه با معرفت ما باشد» (نک: محمدبن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۱، ص ۱۴۳ و ۱۴۴).

الهی محروم کنند. بنابراین رعایت آداب عزاداری سالار شهیدان یکی از شروط مهم دستیابی به مقصود این مجالس است.

از خدا جوییم توفیق ادب بی ادب محروم ماند از فیض رب

اکنون که ما محبتان و ارادتمندان اهل بیت علیهم السلام، قصد آن داریم در محیط هجمه به این امانت‌های الهی، محکم و استوار و بدون هیچ بیم انحراف، در صراط مستقیم محبت و ولایت آل الله علیهم السلام گام برداریم، چه نیکوست، آداب و مرام «ارادات و رزی» را نیز از خود آن معادن علم جویا شویم.

آیات کریمه قرآن و روایات شریف ائمه اطهار علیهم السلام در تبیین شرایط و آداب ذکر اهل بیت علیهم السلام، بهترین هدیه‌ای است که می‌توان به سالکان این راه پر بهجت و ناب تقدیم کرد.

در بیان و نگاه پرچم‌دار و مقتدای اهل ولای این عصر، یعنی حضرت روح الله قدس سره و خلف صالح و برحق ایشان، رهبر معظم انقلاب دامت‌تله، نیز آداب و تکالیف عزاداران مجلس حضرت اباعبدالله علیه السلام، شنیدنی است. در این مجموعه از رهنمودهای حکیمانه این دو عزیز، بهره‌وافر برده‌ایم.

مجلس و هیئت عزای حسینی از سه رکن سخنران، مداح و عزاداران تشکیل شده است. هرکدام از این سه، تکلیف و رسالت ویژه خود را دارند و همین‌طور برای هرکدام آسیب‌ها و شبهات جداگانه‌ای وجود دارد، از همین‌رو ما در این مجموعه آداب و وظایف هرکدام را در کتابی مستقل ویژه همان گروه گرد آورده‌ایم.

در آخر، این مجموعه را به ساحت مقدس اهل بیت هدی علیهم السلام، به‌ویژه ام‌الائمۃ‌النجباء، حضرت صدیقه کبری علیها السلام تقدیم می‌کنیم و از همه خوانندگان محترم، دعای خیر مسئلت داریم.

تبلیغ یعنی چه؟ تبلیغ یعنی رساندن؛ باید برسانید. به کجا؟ به گوش؟ نه، به دل! بعضی از تبلیغ‌های ما حتی به گوش هم درست نمی‌رسد! گوش هم حتی آن را تحمل و منتقل نمی‌کند! گوش که گرفت، می‌دهد به مغز. قضیه اینجا نباید تمام بشود؛ بلکه باید بیاید در دل نفوذ و رسوخ کند و به هویت ما، [یعنی] هویت مُستمع تبدیل شود؛ تبلیغ برای این است.

ما تبلیغ نمی‌کنیم فقط برای اینکه چیزی گفته باشیم. ما تبلیغ می‌کنیم برای اینکه آنچه را که موضوع تبلیغ است، در دل مخاطب وارد شود و نفوذ کند. آن چیست؟ آن، همهٔ آن چیزهایی است که در اسلام به‌عنوان ارزش، مورد حمایت جان و حرم و ناموس حضرت ابی‌عبدالله علیه السلام قرار گرفت که همهٔ پیغمبران و اولیای الهی دیگر و وجود مقدس رسول الله صلی الله علیه و آله و سلم هم همین‌طور عمل کردند که البته مظهرش حسین بن علی علیه السلام است. ما می‌خواهیم منطوق دین، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و همهٔ چیزهایی را که در بنای یک شخصیت انسانی بر مبنای دین تأثیر دارد، تبلیغ کنیم؛ برای اینکه مخاطب ما به همین شخصیت دینی تبدیل شود.^۱

رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی)

روایات

این سخن امیرالمؤمنین علیه السلام است که:

بَعَثَنِي رَسُولُ اللَّهِ إِلَى الْيَمَنِ فَقَالَ يَا عَلِيُّ لَا تُقَاتِلْ أَحَدًا حَتَّى تَدْعُوهُ إِلَيَّ
اللَّهُ لَأَنْ يَهْدِيَ اللَّهُ عَلَيَّ يَدِيكَ رَجُلًا خَيْرٌ مِمَّا طَلَعَتْ عَلَيْهِ الشَّمْسُ أَوْ
غَرَبَتْ.^۱

رسول خدا صلی الله علیه و آله مرا به یمن فرستادند و فرمودند: «ای علی، تا کسی را
به راه خدا دعوت نکرده‌ای، با او جنگ نکن؛ چراکه اگر خدا به دست تو
کسی را هدایت کند، از آنچه خورشید به آن می‌تابد، برای تو بهتر است.»

رسول الله صلی الله علیه و آله فرموده‌اند:

خَيْرُ أُمَّتِي مَنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ حَبَّبَ عِبَادَةَ إِلَيْهِ.^۲

بهترین امت من، کسی است که مردم را به سوی خدا بخواند و بندگان را
نزد خداوند محبوب کند.

از امام رضا علیه السلام روایت شده است:

مَنْ تَذَكَّرَ مُصَابِنًا فَبَكَى وَ أَبْكَى لَمْ تَبْكْ عَيْنُهُ يَوْمَ تَبْكِي الْعُيُونُ وَ مَنْ
جَلَسَ مَجْلِسًا يَحْيَا فِيهِ أَمْرُنَا لَمْ يَمُتْ قَلْبُهُ يَوْمَ تَمُوتُ الْقُلُوبُ.^۳

هرکه مصیبت ما را به یاد آورد و گریه کند و بگریاند، روزی که همه چشم‌ها
گریان‌اند، چشمان او نمی‌گرید و هرکه در مجلسی بنشیند که در آن امر
ما احیا می‌شود، روزی که همه قلب‌ها می‌میرند، قلب او زنده است.

۱. علی بن حسن بن فضل طبرسی، مشکاة الأنوار فی غرر الأخبار، ص ۱۰۷.

۲. ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه، ص ۴۶۴.

۳. محمد بن حسن حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۰۲.

۱. جایگاه و عظم منبر

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: این فن را نباید کوچک گرفت. منبر رفتن و سخن گفتن در امر دین، جزو شریف‌ترین کارهاست و باید و شاید که شریف‌ترین انسان‌ها و عالم‌ترین و آگاه‌ترین آن‌ها به مسائل اسلامی و عامل‌ترین آن‌ها به احکام شرعی، در این راه قدم بردارند و آن را برای خود افتخاری بدانند؛ کما اینکه در گذشته هم همین‌طور بوده است. افرادی مثل شیخ جعفر شوشتری، عالم اخلاقی بزرگ که خود، منبری بوده است یا مرحوم حاج آقارضا همدانی واعظ، صاحب کتاب هدیه الثملة که خود، یک واعظ و یک گوینده دینی بوده است یا پسر آن مرحوم، مرحوم آقامیرزا محمد همدانی که از علما بوده است و امثال این‌ها. در گذشته، شخصیت‌های علمی و چهره‌های معروف تقوایی و دینی، متصف به این صفت و مفتخر به این فن بوده‌اند. در این زمان هم، ما بحمدالله شخصیت‌های برجسته‌ای در زمینه تبلیغ و منبر دیده‌ایم و بوده‌اند و هستند.^۱

۱-۱. تأثیر نهاد منبر در جامعه

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: تأثیر نهاد منبر در جامعه ما، هنوز یک تأثیر بررسی نشده است. شما به جامعه ما نگاه کنید. ببینید جایی که منبری به نام ابی عبدالله علیه السلام نباشد، کجاست؟! از شهرهای بزرگ و مراکز پُرجمعیت [گرفته] تا دوردست‌ها، روستاها، حتی روستاهای کوچک و دورافتاده، دانشگاه‌ها، میان دانشمندان، انجمن‌های تحصیل‌کردگان علوم جدید تا مردم دور از علوم و معارف جاری زمان، در اقصا نقاط کشور، در کجا منبر ابی عبدالله علیه السلام نیست که گوینده‌ای در موقعی از مواقع بر آن منبر نمی‌رود و سخنی نمی‌گوید؟! پس، کل جامعه ما به‌عنوان یک مجموعه با تفکر و عقیده شیعی، زیر چتر امام حسین علیه السلام است؛ البته [این] مخصوص شیعیان هم نیست. در نقاط گوناگونی از

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

عالم، غیر شیعه، بلکه غیر مسلمین هم به نحوی از انحاء از این بساط بهره‌ای می‌برند.^۱ این [نهاد منبر] یک نهاد مؤثر در بافت اجتماعی و دینی و فکری ماست. این مجموعه و این نهاد، در گذشته مؤثر بود؛ اما تحت یک ضابطه و قانون و قاعده نبود؛ علاوه بر اینکه افکار دینی، میدان عرضه شدن و مطرح شدن نداشت. در این رسانه جمعی صوتی و تصویری کشور، تنها در ایام عاشورا، سطح خیلی نازلی از این مسائل را در شکل یک سینه‌زنی و از این قبیل، به مردم نشان می‌داد. وقتی هم که انسان گوش می‌کرد، غالباً انحرافی بود!^۲

۲-۱. جایگاه علمی مطلوب اهل منبر

رهبر معظم انقلاب منظره: در گذشته تصور غلطی در ذهن بعضی از ماها بود که بحمدالله بعدها مرتفع شد. ما خیال می‌کردیم که اگر کسی اهل علم و مجتهد است، نمی‌تواند اهل منبر یا روضه‌خوان باشد؛ این دو را در دو سطح مختلف مشاهده می‌کردیم. آن کسی که می‌خواهد این سه وظیفه [موعظه و تبیین معارف و ارائه الگو و اسوه] را عهده‌دار بشود، چه بهتر است که در معارف دینی، در فقه اسلام، در علوم و فنون رایج در حوزه‌های علمیه که ملاک فهم احکام است، در سطح بالا، بلکه عالی باشد. منبر را با این چشم ببینیم.^۳

۳-۱. منبر؛ فرصت انسان‌سازی

رهبر معظم انقلاب منظره: ما می‌خواهیم منطق دین، ارزش‌های دینی، اخلاق دینی و همه چیزهایی را که در بنای یک شخصیت انسانی بر مبنای دین تأثیر دارد، تبلیغ کنیم؛ برای اینکه مخاطب ما به همین شخصیت دینی تبدیل شود.

این را من عرض بکنم که تشکیل حکومت اسلامی، یکی از معجزه‌گون‌ترین

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

کارهاست؛ اما این مسئله نباید تشکیل هویت انسانی افراد را [منظور] فرد فردِ انسان‌هایی را که ما با آن‌ها سروکار داریم، از یاد ما ببرد؛ این، خیلی مهم است. نبی مکرم اسلام، انسان‌ها را اول ساخت. اول، این پایه‌ها را تراشید تا توانست این بنا را بر روی دوش آن‌ها قرار دهد.

در تمام مدت آن ده سال که بیش از صد سال کار در این ده سال متراکم شده است، پیغمبر در همه جا؛ در بحبوحهٔ جنگ، در هنگام ساختن، در هنگام عبادت کردن، در هنگام گفتگو کردن با مردم، بنای هویت انسان‌های مخاطبِ خودش را فراموش نکرد. پیغمبر در غوغای جنگ‌های خطرناک مثل احزاب [و] بدر و احد هم انسان‌سازی می‌کرد. آیات قرآن را ملاحظه کنید! «انسان‌سازی» هدفِ این تبلیغ است و این، یکی از بزرگ‌ترین کارهاست.^۴

۴. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانهٔ محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۲. اهداف وعظ و منبر

رهبر معظم انقلاب^۱: اگر این مطلب درست است که شرف هر فنی، به شرف هدف و غایت از آن فن بستگی دارد، باید بگوییم که یکی از اشرف فنون، همین فن تبلیغ دین و گویندگی معارف دینی و اسلامی است. همین چیزی که در عرف ما، به وعظ و منبر معروف است؛ زیرا هدف از حرفه تبلیغ و گویندگی دینی، عبارت است از موعظه^۱ برای تزکیه مردم، تبیین معارف دینی برای بالا رفتن سطح آگاهی دینی مردم و بیان مصائب و مرثی حضرت ابی‌عبدالله^۲، یعنی ارائه الگویی به مردم برای کیفیت‌بخشیدن به حرکت در راه هدف‌های بزرگ. همه این چیزها جزو اشرف هدف‌هاست؛ هم تزکیه، هم بالابردن افکار و آگاهی‌های مردم، هم ارائه الگو برای جهاد و تلاش فی سبیل‌الله^۲.

۲-۱. موعظه برای تزکیه مردم

رهبر معظم انقلاب^۳: در دعای صحیفه سجادیه، یک جا حضرت سجاد^۴ از طرف خودش به خداوند متعال عرض می‌کند که: «تَفَعَّلَ ذَلِكَ يَا إِلَهِي بَمَنْ خَوْفُهُ مِنْكَ أَكْثَرُ مِنْ... رَجَائِهِ لِلْخَلَاصِ لَا أَنْ يَكُونَ خَوْفُهُ [يَأْسَهُ] قُتُوطًا»^۵؛^۲ من خوفم از رجايم بیشتر است؛ نه اینکه مأیوس باشم. این یک اعلان رسمی و دستورالعمل است. خوف را همراه رجا حتماً به دل‌ها بدمید و خوف را بیشتر^۴. اینکه ما آیات رحمت الهی را بخوانیم که بعضی از این آیات و مبشرات، مخصوص یک دسته خاصی از مؤمنین است و به ما ربطی ندارد و یک عده‌ای را غافل کنیم و نتیجه‌اش این بشود که خیال کنند با یک

۱. امیرالمؤمنین^۵ فرمود: «المواعظ حياة القلوب؛ موعظه‌ها زندگی‌بخش دل‌ها هستند.» عبدالواحد تمیمی آمدی، غررالحکم، ص ۲۲۴.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. امام سجاد^۶، صحیفه سجادیه، دعای ۳۹.

۴. امیرالمؤمنین^۷ فرموده‌اند: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِالْفَقِيهِ حَقَّ الْفَقِيهِ مَنْ لَمْ يَقْنَطِ النَّاسَ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ وَ لَمْ يُؤْمِنْهُمْ مِنْ عَذَابِ اللَّهِ وَ لَمْ يُرْخِصْ لَهُمْ فِي مَعَاصِي اللَّهِ؛ آیا به شما خبر دهم به فقیهی که حق فقاهاش را ادا نموده است؟ کسی فقیه واقعی است که مردم را از رحمت خدا ناامید نکند و آن‌ها را از عذاب خدا ایمن نکند و به آن‌ها مجوز انجام دادن معاصی خدا را ندهد.» (محمدبن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۳۶).

توهم معنویت، غرق در معنویت‌اند و از واجبات و ضروریات دین در عمل غافل بمانند، درست نیست. در قرآن، بشارت مخصوص مؤمنین است؛ اما انذار برای همه است. مؤمن و کافر مورد انذارند.

پیغمبر خدا گریه می‌کند. شخصی عرض می‌کند: «یا رسول الله، خداوند فرمود: ﴿لِيُغْفِرَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَ مَا تَأَخَّرَ﴾^۱ [پس] این گریه برای چیست؟ [پیغمبر] عرض می‌کند: «أَلَا أَكُونُ عَبْدًا شَكُورًا»؛^۲ یعنی اگر شکر آن مغفرت را نکنم، پایه آن مغفرت سُست خواهد شد. در همه حال، انذار باید بر دل ما و مستمعان ما حاکم باشد. راه، راه دشواری است. بشر بایست خود را برای پیمودن این راه و رسیدن به آن سرمنزله آماده کند.^۳

۲-۲. تبیین معارف دینی

رب‌مُعْظَمُ الْعَالَمِينَ: امروز هم تکلیف عظیمی با ما روبه‌روست؛ یعنی ارائه اسلام به صورتی که بتواند ذهن‌ها و دل‌های مردم را اشباع و سیراب کند، استفهام آن‌ها را به درستی پاسخ بدهد، ایمان آن‌ها و حضورشان در این میدان را به صورت خالصانه و مخلصانه حفظ کند تا ان‌شاءالله کار و منش ما مورد عنایت ولی عصر (ارواح‌نفاذ) قرار بگیرد و تأییدات و دعای آن بزرگوار شامل حال ما بشود.^۴

رب‌مُعْظَمُ الْعَالَمِينَ: در ماه محرم، معارف حسینی و معارف علوی را که همان معارف قرآنی و اسلامی اصیل و صحیح است برای مردم بیان کنید.^۵

رب‌مُعْظَمُ الْعَالَمِينَ: از این فرصت استفاده شود و همان‌طور که خود حسین بن علی علیه السلام به برکت جهادش، اسلام را زنده کرد، [زیرا] اسلام، در حقیقت زنده‌شده و آزادشده

۱. «تا خداوند گناهان گذشته و آینده‌ای را که به تو نسبت می‌دادند، ببخشد [و حقانیت تو را ثابت کند]» (فتح، ۲).

۲. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۲، ص ۹۵.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۴. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۵. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

خون و قیام حسین بن علی است، امروز هم شما به انگیزه یاد و نام و منبر آن بزرگوار، حقایق اسلامی را بیان کنید، قرآن و حدیث را معرفی کنید، نهج البلاغه را برای مردم بخوانید، حقایق اسلامی، از جمله همین حقیقت مبارکی را که امروز در حکومت حق، یعنی نظام علوی و ولّوی و نبوی جمهوری اسلامی، تجسّد پیدا کرده است، برای مردم بیان کنید؛ این جزو بالاترین معارف اسلامی است.^۱

۲-۱. پاسخ‌گویی به نیاز واقعی جهانیان با معرفی حقایق اسلامی و معارف

عاشورایی


رهبر معظم انقلاب^{سپه}: امروز دنیا تشنه حقیقت است. این حرف یک روحانی یا یک شخص متعصب اسلامی نیست؛ بلکه حرف کسانی است که سال‌ها با فرهنگ غربی ارتباط، رفت و آمد، مبادله و حتی نسبت به آن، حسن نظر داشته‌اند. آن‌ها می‌گویند که امروز دنیای غرب در سطوح حسّاسش، تشنه اسلام است.

«سطوح حسّاس» یعنی چه؟ فلان جماعت عامی و غافل یا فرض بفرمایید جماعت‌هایی که منافعشان به شدت مطرح است؛ مثل حکام، دولتمردان، سرمایه‌داران، زراندوزان و زورگویان، [که] بخش‌های کِرخ و دیراحساس بیکره فرهنگ غرب و جوامع غربی‌اند. [اما] دانشمندان، متفکرین، انسان‌های باوجدان، روشنفکران و جوانان، بخش‌های حسّاس بیکره جوامع غربی هستند. این بخش‌های حسّاس، امروز تشنه مکتب و درسی از زندگی هستند که آن‌ها را از هزاران دشواری واقعی زندگی نجات دهد. خیلی از این مشکلات زندگی، مشکلات واقعی نیست. مشکل واقعی، احساس ناامنی روحی، تنهایی، افسردگی، تزلزل و عدم اطمینان و سکینه روحی است. این‌ها مشکلات واقعی بشر است که در اوج ثروت و شهرت، یک نفر را به خودکشی و ادار می‌کند. جوان، پولدار و دارای امکانات تنعم و بهره‌برداری از زندگی است؛ اما خودکشی می‌کند. خوب چرا؟ دردش چیست؟ کدام درد است که از بی‌پولی و نداشتن امکانات متّع جسمانی و لذایذ جنسی هم سخت‌تر است؟ دردی که امروز

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

گریبان جوامع مادی دنیا و تمدن غربی را گرفته است، عدم اطمینان، عدم آرامش، عدم نقطه اتکای روحی، عدم انس و تواصل بین انسان‌ها، احساس غربت و انکسار است. بخش‌های حساس جوامعی که این دردها را بیشتر احساس می‌کنند، چشم انتظارند که دست نجاتی بیاید و آن‌ها را از این حالت نجات دهد. در آنجایی که آگاهی هست، چشم‌ها به اسلام دوخته شده است. البته عده‌ای از آن‌ها آگاهی ندارند و اسلام را نمی‌شناسند؛ اما زمینه‌گرایی به اسلام را دارند. کسانی که اسلام را می‌شناسند، مشخصاً روی اسلام تکیه می‌کنند. یکی از اندیشمندان ایرانی خود ما گفته بود... که: «امروز غرب در جست‌وجوی چهره‌هایی مثل شیخ انصاری و ملاصدر است.» زندگی و معنویات و ارزش‌های آن‌ها، امروز چهره‌های غربی و متفکرین غربی را جذب می‌کند. منبع زخار این حقایق و ارزش‌ها، معارف اسلامی و در قلّه و اوج این معارف، معرفت عاشورایی است. قدر این‌ها را باید دانست. ما حالا می‌خواهیم این معارف را در مقابل چشم مردم دنیا قرار دهیم.^۱

۲-۳. ارائه الگو با بیان مصائب و مرثی اهل بیت

رهبر معظم انقلاب: بیان مصائب و مرثی حضرت ابی‌عبدالله ، یعنی ارائه الگویی به مردم برای کیفیت بخشیدن به حرکت در راه هدف‌های بزرگ.^۲

رهبر معظم انقلاب: حالا ما و شما، امانتدار و وارث این حقیقت تاریخی [عاشورا] هستیم. امروز کسانی هستند که می‌خواهند ماجرای عاشورا را به‌عنوان یک درس و خاطره و یک شرح واقعه، از زبان علما، روحانیون، مبلغین، مبلغات و امثال این‌ها بشنوند. ما در این زمینه چه خواهیم کرد؟ در اینجا به قضیه خیلی مهم تبلیغ می‌رسیم.^۳

رهبر معظم انقلاب: در باب عاشورا آنچه که عرض می‌کنم، البته یک سطر از یک کتاب قطور است، این است که عاشورا یک حادثه تاریخی صرف نبود. عاشورا یک فرهنگ، یک

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

جریان مستمر و یک سرمشق دائمی برای امت اسلام بود. حضرت ابی عبدالله علیه السلام با این حرکت که در زمان خود دارای توجیه عقلانی و منطقی کاملاً روشنی بود، یک سرمشق را برای امت اسلامی نوشت و گذاشت. این سرمشق فقط شهیدشدن هم نیست؛ یک چیز مرکب و پیچیده و بسیار عمیق است.^۱

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۳. لوازم تحقق اهداف منبر

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: این سه فصل مربوط به شغل منبر، یعنی موعظه و تبیین معارف و ارائه الگو و اسوه [است که] هر کدام لازمه‌ای در نفس منبری و گوینده دارد و چیزی از او می‌طلبد. پس این میدان را نباید کم گرفت.^۱

۳-۱. تهذیب نفس

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: آن چیزی که در محدوده جمع کسانی که اهل منبرند، چه حرفه آن‌ها این است و چه در کنار حرفه اصلی به آن می‌پردازند، واقعاً باید معلوم باشد، این است که اگر ما می‌خواهیم مردم را موعظه بکنیم، لازمه آن در درجه اول، اتعاض نفسی خود ماست. برای کسی که بنابر گویندگی دین دارد، تهذیب نفس یک امر الزامی است تا از دل بگوید و حرف او دارای اثر بشود و عملش قول او را تقویت کند و شاهدهی بر آن باشد.^۲

۳-۲. آگاهی و بینش وسیع دینی

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: چون مبلغ بنا بر این دارد که سطح فکر مردم را در مسائل اسلامی بالا ببرد، پس باید آگاهی و بینش دینی وسیع و متنوع داشته باشد؛ با قرآن مأنوس باشد، در احادیث غور بکند و کرده باشد، با افکار نویی مربوط به مذهب و دین آشنا باشد، اهل تحقیق درباره مسائل دینی و افکار دینی باشد؛ نه فقط آشنایی با دین به تنهایی، بلکه در کنار مسائل دینی، پاره‌ای افکار فلسفی و بینش‌های اجتماعی هست که از آن‌ها هم باید طعمی چشیده و آگاهی‌ای داشته باشد.^۳

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳-۳. دقت نظر در شناخت و معرفی اهل بیت علیهم السلام

رهبر معظم علیه السلام: چون [مبلّغ] بنا دارد که اسوهٔ جهاد و مبارزه را به مردم معرفی کند، در این کار باید دقت نظر و وسواس داشته باشد؛ زیرا زندگی حسین بن علی علیه السلام و ماجرای چندروزه آن حضرت در کربلا، فصل عظیمی از تاریخ ماست؛ حجم آن کم؛ اما مفهوم آن بسیار وسیع و عمق آن خیلی زیاد است.^۱

۳-۳-۱. جهت گیری محتوایی در اقامهٔ عزا توسط روحانی مجلس

رهبر معظم علیه السلام: یک روحانی چگونه اقامهٔ عزا خواهد کرد؟ این، سؤال من از همهٔ کسانی است که نسبت به چنین قضیه‌ای احساس مسئولیت می‌کنند. به اعتقاد بنده، مجالس عزاداری حسینی باید از سه ویژگی برخوردار باشد: اولین ویژگی باید این باشد که چنین مجالسی، محبت به اهل بیت علیهم السلام را زیاد کنند...؛ دومین ویژگی ای که باید در این مجالس به وجود آید، این است که مردم نسبت به اصل حادثهٔ عاشورا، معرفت روشن‌تر و واضح‌تری پیدا کنند...؛ سومین ویژگی لازم در این مجالس، افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم است.^۲

رهبر معظم علیه السلام: در مجالس عزاداری ماه محرم، این سه ویژگی باید وجود داشته باشد: ۱. عاطفه را نسبت به حسین بن علی و خاندان پیغمبر (علیهم صلوات الله) بیشتر کند...؛ ۲. نسبت به حادثهٔ عاشورا باید دید روشن و واضحی به مستمع بدهد؛ ۳. نسبت به معارف دین، هم ایجاد معرفت و هم ایجاد ایمان، ولو به نحو کمی، کند.^۳

رهبر معظم علیه السلام: ما مبلّغان، زیر نام حسین بن علی تبلیغ می‌کنیم. این فرصت بزرگ را یاد این بزرگوار به مبلّغان دین بخشیده است که بتوانند تبلیغ دین را در سطوح مختلف انجام بدهند. هریک از آن سه عنصر باید در تبلیغ ما نقش داشته باشد؛

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلّغان، در آستانهٔ محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۲. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانهٔ محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

۳. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانهٔ محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

هم صرف پرداختن به عاطفه و فراموش کردن جنبه منطقی و عقل که در ماجرای حسین بن علی علیه السلام نهفته است، کوچک کردن حادثه است؛ هم فراموش کردن جنبه حماسه و عزت، ناقص کردن این حادثه عظیم و شکستن یک جواهر گرانبهاست. این مسئله را باید همه، روضه‌خوان و منبری و مداح، مراقب باشیم.^۱

۳-۱-۱. افزایش حب مستمعان به اهل بیت علیهم السلام

رَبِّ مَعْظَمَاتِنَا مِنْطَلَه: اولین ویژگی [مجالس عزاداری] باید این باشد که چنین مجالسی، محبت به اهل بیت علیهم السلام را زیاد کنند^۲؛ چون رابطه عاطفی، یک رابطه بسیار ذی‌قیمت است. شما، روحانیون، باید کاری کنید که محبت شرکت‌کنندگان در مجالس مذکور، روز به روز نسبت به حسین بن علی علیه السلام و خاندان پیغمبر و مناسیء معرفت الهی بیشتر شود. اگر شما خدای ناکرده در مجالس مذکور وضعی را به‌وجود آورید که مستمع یا فرد بیرون از آن فضا، از لحاظ عاطفی به اهل بیت علیهم السلام نزدیک نشد؛ بلکه احساس دوری و بی‌زاری کرد؛ نه فقط چنین مجالسی فاقد یکی از بزرگ‌ترین فواید خود شده؛ بلکه به یک معنا، مضر هم بوده است. حال شما که مؤسس یا گوینده چنین مجالسی هستید، ببینید چه کاری می‌توانید بکنید که عواطف مردم بر اثر حضور در این مجالس، نسبت به حسین بن علی علیه السلام و اهل بیت پیغمبر (علیهم افضل صلوٰة اللّٰه) روز به روز بیشتر شود.^۳

۳-۱-۲. افزایش معرفت نسبت به حادثه عاشورا

رَبِّ مَعْظَمَاتِنَا مِنْطَلَه: دومین ویژگی‌ای که باید در این مجالس به وجود آید، این است که مردم نسبت به اصل حادثه عاشورا، معرفت روشن‌تر و واضح‌تری پیدا کنند. این‌طور نباشد

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۲. از اباعبدالله علیه السلام روایت شده است: «رَجِمَ اللَّهُ عَبْدًا حَبِينًا إِلَى النَّاسِ وَلَمْ يُبْعَثْنَا إِلَيْهِمْ أَمَا وَاللَّهِ لَوْ بَرَّوُونَ مَحَاسِنَ كَالْمَيِّتِ لَكَانُوا بِهِ أَعَزُّ وَ مَا اسْتَطَاعَ أَحَدٌ أَنْ يَتَعَلَّقَ عَلَيْهِمْ بِشَيْءٍ؛ خدا رحمت کند، بنده ای که ما را نزد مردم محبوب کند و ما را می‌غرض آن‌ها قرار ندهد. به خدا قسم! اگر محاسن کلام ما را روایت می‌کردند، به‌وسیله آن عزت پیدا می‌کردند و کسی نمی‌توانست بر آن‌ها خرده بگیرد» (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۸، ص ۲۲۹).

۳. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

که ما در مجلس حسین بن علی علیه السلام به منبر برویم یا سخنرانی کنیم؛ اما موضوع سخنرانی، حضار آن مجلس، اعم از جوان و غیر جوان و زن و مرد اهل فکر و تأمل را که امروز در جامعه ما بسیارند و این از برکات انقلاب است به این فکر فروبرد که: «ما به این مجلس آمدیم و گریه‌ای هم کردیم؛ اما برای چه؟ قضیه چه بود؟ چرا باید برای امام حسین علیه السلام گریه کرد؟ اصلاً چرا امام حسین علیه السلام به کربلا آمد و عاشورا را به وجود آورد؟»

بنابراین، به عنوان منبری یا سخنران، باید به موضوعاتی بپردازید که جواب‌گوی چنین سؤالاتی باشد. باید نسبت به اصل حادثه عاشورا معرفتی در افراد به وجود آید. اگر در روضه خوانی و سخنرانی یا سایر مطالب بیان شده از طرف شما، نکته‌ای روشن‌گر یا حداقل اشاره‌ای به این معنا نباشد، یک رکن از آن سه رکنی که عرض شد، کم و ناقص خواهد بود؛ یعنی ممکن است مجلس مذکور، فایده لازم را ندهد و ممکن هم هست خدای ناکرده در بعضی از فروض، ضرر هم بکنیم.^۱

۳-۱-۳. افزایش ایمان و معرفت دینی مردم

رهبر معظم عظمت‌الله: سومین ویژگی لازم در این مجالس، افزایش ایمان و معرفت دینی در مردم است. در چنین مجالسی باید از دین نکاتی عنوان شود که موجب ایمان و معرفت بیشتر در مستمع و مخاطب گردد؛ یعنی سخنرانان و منبری‌ها، یک موعظه درست، یک حدیث صحیح، بخشی از تاریخ آموزنده درست، تفسیر آیه‌ای از قرآن یا مطلبی از یک عالم و دانشمند بزرگ اسلامی را در بیانات خود بگنجانند و به سمع شرکت‌کنندگان در این مجالس برسانند. این طور نباشد که وقتی بالای منبر می‌رویم، یک مقدار لفاظی کنیم و حرف بزنیم و اگر احیاناً مطلبی هم ذکر می‌کنیم، مطلب سستی باشد که نه فقط ایمان‌ها را زیاد نمی‌کند؛ بلکه به تضعیف ایمان مستمعین می‌پردازد. اگر این طور

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

هم شد، ما از جلسات مذکور به فواید و مقاصد مورد نظر نرسیده‌ایم.^۱

رب منظر انقلاب: بعضاً گوینده‌ای در یک مجلس به نقل مطلبی می‌پردازد که هم از لحاظ استدلال و پایه مدرک عقلی یا نقلی سست است و هم از لحاظ تأثیر در ذهن یک مستمع مستبصر و اهل منطوق و استدلال، ویرانگر است؛ مثلاً در یک کتاب، بعضی مطالب نوشته شده است که دلیلی بر کذب و دروغ بودن آن‌ها نداریم. ممکن است راست باشد، ممکن است دروغ باشد. اگر شما آن مطالب را بیان کنید، ولو مسلم نیست خلاف واقع باشد و [احتمال بدهید] با شنیدن آن‌ها برای مستمعان که جوان دانشجو یا محصل یا رزمنده یا انقلابی است و بحمدالله انقلاب، ذهن‌ها را باز و منفتح کرده است، نسبت به دین، سؤال و مسئله ایجاد می‌شود و اشکال و عقده به وجود می‌آید، نباید آن مطالب را بگویید؛ حتی اگر سند درست هم داشت؛ چون موجب گمراهی و انحراف است، نباید نقل کنید؛ چه رسد به اینکه اغلب این مطالب مندرج در بعضی کتاب‌ها، سند درستی هم ندارد. یک نفر از زبان دیگری، مطلبی را مبنی بر این می‌شنود که من در فلان سفر، فلان‌جا بودم، که فلان اتفاق افتاد. گوینده از روی مدرک یا بدون مدرک، چنان مطلبی را می‌گوید. شنونده هم آن را باور می‌کند و در کتابی می‌نویسد و این کتاب به دست من و شما می‌رسد. من و شما چرا باید آن مطلب را که نمی‌تواند در یک مجمع بزرگ، برای ذهن‌های مستبصر و هوشیار و آگاه توجیه شود، بازگو کنیم؟! مگر هر مطلبی را هر جا نوشتند، انسان باید بخواند و بازگو کند؟

بعضی از افراد، بدون توجه به این مسئولیت مهم، به بالای منبر می‌روند و حرفی می‌زنند که نه فقط گره‌ای از ذهن مستمع باز نمی‌کند که گره‌هایی هم به ذهن او می‌افزاید. اگر چنین اتفاقی افتاد و ما در بالای منبر حرفی زدیم که ده نفر جوان، پنج نفر جوان یا حتی یک نفر جوان در امر دین دچار تردید شد و بعد، از پای سخنرانی ما برخاست و رفت و ما هم او را نشناختیم، بعداً چگونه می‌شود جبران کرد؟ آیا اصلاً

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

قابل جبران است؟ آیا خدا از ما خواهد گذشت؟ قضیه مشکل است.^۱

۳-۳-۲. شیوه مطلوب روضه‌خوانی در منبر

رب‌مظالم^{منظله}: عاشورا و ماجرای حسین بن علی باید در منبر، به شکل سنتی روضه‌خوانی شود؛ اما نه برای سنت‌گرایی، بلکه از طریق واقعه‌خوانی؛ یعنی اینکه [بگوییم] شب عاشورا این طور شد، روز عاشورا این طور شد، صبح عاشورا این طور شد. شما ببینید یک حادثه بزرگ، به مرور از بین می‌رود؛ اما حادثه عاشورا، به برکت همین خواندن‌ها، با جزئیاتش باقی مانده است؛ فلان کس این طوری آمد با امام حسین وداع کرد، این طوری رفت به میدان، این طوری جنگید، این طوری شهید شد و این کلمات را بر زبان جاری کرد.^۲

۳-۳-۱. اتقان در واقعه‌خوانی

رب‌مظالم^{منظله}: واقعه‌خوانی تا حد ممکن باید متقن باشد. مثلاً در حدود لیهوف ابن طاووس و ارشاد مفید و امثال این‌ها، نه چیزهای من‌درآوردی، واقعه‌خوانی و روضه‌خوانی شود.^۳

شما اگر یک حدیث صحیح از کتابی معتبر را نقل و همان را معنا کنید، کفایت می‌کند. برخی منبری‌ها، بعضی اوقات یک حدیث را آن قدر شاخ و برگ می‌دهند که معنای اصلی‌اش از بین می‌رود. اگر شما یک حدیث صحیح را برای مستمع خود درست معنا کنید، ممکن است بخش مهمی از آنچه را که ما می‌خواهیم، داشته باشد. وقتی شما از روی یک تعبیر معتبر، راجع به یک آیه قرآن فکر و مطالعه کنید و به تنقیح آن پردازید و برای مستمع بیان نمایید، مقصود حاصل است. اگر برای ذکر مصیبت، کتاب نَفْسُ الْمَهْمُومِ مرحوم محدث قمی را باز کنید و از رو بخوانید، برای

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

مستمع گریه‌آور است و همان عواطف جوشان را به وجود می‌آورد. چه لزومی دارد که ما به خیال خودمان، برای مجلس‌آرایی کاری کنیم که اصل مجلس عزای فلسفه واقعی‌اش دور بماند؟!^۱

۳-۲-۲. بیان ماجرا و هدف قیام امام حسین

رب منظر انوار منظره: در خلال روضه‌خوانی، سخنرانی، مدّاحی، شعرهای مصیبت، خواندن نوحه سینه‌زنی و در خلال سخنرانی‌های آموزنده، ماجرا و هدف امام حسین (علیه‌الصلاة والسلام)، یعنی همان هدفی که در کلمات خود آن بزرگوار هست که: «أَنْتَى لَمْ أُخْرَجْ أَشْرًا وَلَا بَطْرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا وَإِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلَبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى»^۲ بیان شود.^۳

۳-۲-۳. استخراج مضامین و جمع‌بندی از نهضت حسینی

رب منظر انوار منظره: در خلال سخنرانی‌های آموزنده ... عباراتی از قبیل «أَيُّهَا النَّاسُ أَنْ رَسُولَ اللَّهِ ﷺ قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحِلًّا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكِرًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يَغْيِرْ بِقَوْلٍ وَلَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلُهُ»^۴ و «مَنْ كَانَ بَاذِلًا فِينَا مُهْجَتَهُ وَ مَوْطِنًا عَلَى لِقَاءِ اللَّهِ نَفْسَهُ فَلْيَرْحَلْ مَعَنَا»^۵ هر کدام یک درس و سرفصل‌اند.^۶

۱. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.
۲. «من برای سرکشی و عداوت و فساد و ظلم از مدینه خارج نشدم؛ بلکه من به‌منظور اصلاح امت جدم قیام کردم.» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹).
۳. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.
۴. پیامبر اسلام ﷺ در زمان زندگی خود فرمودند: «کسی که سلطان ستم‌کشی را ببیند که [آن سلطان] حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول‌الله باشد و در میان مردم با گناه و عدوان رفتار کند؛ اما او با قول و رفتار خود، با آن سلطان مخالفت نکند، خدا حق دارد که وی را هم در جایگاهی نظیر جایگاه همان سلطان داخل کند» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱).
۵. «هرکه آماده است که خون خود را در راه ما نثار کند و خود را آماده دیدار خدا کرده است، همراه ما راهی شود.» (رضی‌الدین علی‌بن‌موسی (سیدبن طاووس)، اللّهوف علی قتلی الطفوف، ص ۶۱).
۶. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۴. کارکردهای منبر

۴-۱. پراکندن پیام معارف اسلامی در سطح جامعه

ربِّمْظَلَمَاتٍ ^{منظله}: مردم را هدایت کنید. ذهن مردم را روشن کنید. مردم را به فراگرفتن دین تشویق کنید. دین صحیح و پیراسته را به آنها تعلیم دهید. آنها را به فضیلت و اخلاق اسلامی آشنا کنید. با عمل و زبان، فضیلت اخلاقی را در آنها به وجود آورید. مردم را موعظه کنید. از عذاب خدا، از قهر خدا، از دوزخ الهی بترسانید. انذار کنید. انذار سهم مهمی دارد. فراموش نشود آنها را به رحمت الهی مژده دهید. مؤمنین و صالحین و مخلصین و عاملین را بشارت دهید. آنها را با مسائل اساسی جهان اسلام و با مسائل اساسی کشور آشنا کنید. این می شود آن مشعل فروزانی که هریک از شما عزیزان این مشعل را در هر جا روشن کنید، دل ها روشن خواهد شد، آگاهی به وجود خواهد آمد، حرکت به وجود خواهد آمد، ایمان عمیق خواهد شد. مؤثرترین حربه علیه این تهاجم فرهنگی و شیخون نامردانه دشمن همین است. از این به شدت نگرانم؛ می خواهند نگذارند که روحانیون جوان، مؤمن، شجاع، آگاه و خوش فکر، در محیط های مختلف، در محیط دانشگاه، در محیط بازار، در محیط روستا، در محیط شهر، در محیط کارگاه، کار خودشان را انجام دهند. درست نقطه مقابل کار آنها، همین کار و مجاهدت فی سبیل الله شماس است که با اتقان و با دقت و بالاتر از همه با اخلاص انجام گیرد: «اللهم انک تعلم انه لم یکن الذی کان منّا مُنَافَسَةً فِی سُلْطَانٍ وَ لَا التَّمَاسِ شَیْءٍ مِنْ فُضُولِ الحُطَامِ»^۱»^۲

ربِّمْظَلَمَاتٍ ^{منظله}: ... انقلاب هم همین طور پیروز شد. بیشتر شما جوانان آن روزها را درک نکرده اید. آن روزها هم مبلغان دینی، همین طلبه های بی نام و نشان و بی ادعا و

۱ . «خدا یا تو می دانی که آنچه از ما سرزده، نه به خاطر تمایل به کسب قدرت بود و نه برای به دست آوردن مال بی ارزش دنیا» (نهج البلاغه، خطبه ۱۳۱).

۲ . بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.

بی‌توقع، رفتند اطراف عالم اسلام را، اطراف کشور را، روستاها را، شهرها را، مسجدها را، محلات را، داخل خانه‌ها را روشن کردند. هر جا رفتند، چراغی از آن خورشید فروزانی که مرکز همه این شعاع‌ها بود؛ یعنی امام بزرگوار ما و او خود شعله‌ای از خورشید فروزان اباعبدالله‌الحسین (علیه‌الصلاة والسلام) بود، روشن کردند و همه جا نور باران شد. دل‌ها که روشن شد، جان‌ها که آگاه شد، جسم‌ها و زبان‌ها به حرکت می‌افتد و اراده‌ها کار می‌کند. امروز هم همین‌طور است. فردا هم همین‌گونه است.^۱

رَبِّ عِظَمِ الْعُرَابِ مَنْظِلُهُ: تبلیغ... برای زنده کردن احکام الهی و اسلامی است.^۲

رَبِّ عِظَمِ الْعُرَابِ مَنْظِلُهُ: امروز این رسانه [منبر]، حامل پیام تفسیر قرآن و معارف اسلامی و مسائل فلسفی و عرفانی و معارف آل محمد (علیهم‌الصلاة والسلام) است. پس از طرفی، این یک امکان جدید در خدمت گویندگان دین است؛ از طرف دیگر ما مُعَمَّمان و گویندگان، این توان و امکان را پیدا کرده‌ایم که به صورت یک وظیفه، معارف اسلامی را در همه ابعادش، آزادانه برای مردم بشکافیم. در گذشته این‌طور نبود. چیزهایی را می‌شد گفت. چیزهایی را هم نمی‌باید گفت و نمی‌گذاشتند؛ ولی امروز آن‌طور نیست.^۳

۲-۴. حفظ دین از طریق تبیین حرکت عاشورا

رَبِّ عِظَمِ الْعُرَابِ مَنْظِلُهُ: اساس دین با عاشورا پیوند خورده و به برکت عاشورا هم باقی مانده است. اگر فداکاری بزرگ حسین بن علی علیه‌السلام نمی‌بود که این فداکاری، وجدان تاریخ را به کلی متوجه و بیدار کرد، در همان قرن اول یا نیمه قرن دوم هجری بساط اسلام به کلی برچیده می‌شد؛ قطعاً این‌گونه است. اگر کسی اهل مراجعه به تاریخ باشد و حقایق تاریخی را ملاحظه کند، این را تصدیق خواهد کرد... ما دین را به وسیله این حادثه حفظ کردیم، احکام را برای مردم بیان کردیم، عواطف مردم را در خدمت دین

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.

۲. بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

و ایمان قرار دادیم. «ما» که می‌گوییم یعنی طایفه روحانیون و مبلغین، در طول چند قرن گذشته^۱
 رهبر معظم انقلاب: عوامل بقا را در اسلام مشاهده کنید! یکی از عوامل بقا، همین عاشورا است.^۲

۳-۴. تأثیر بیشتر از دیگر رسانه‌ها به خاطر ارتباط چهره به چهره
 رهبر معظم انقلاب: سخنی که شما در جلسه، روی منبر به مردم می‌گویید، با حرفی که در رادیو به مردم گفته خواهد شد، فرق می‌کند؛ ولو خود شما آن حرف را بزنید. من بارها این نکته را گفته‌ام که در نشستن و در چشم هم نگاه کردن و نفس و صدای همدیگر را شنیدن و حضور و گرمای وجود یکدیگر را لمس کردن، میان مستمع و گوینده، اثری است که در پیام از راه دور، آن اثر نیست. ما معمان، این را قدر بدانیم. بارها در جلسات اهل علم و وعاظ این مطلب را تکرار کرده‌ام و گفته‌ام این امتیاز که در جلسات مردم، چشم به چشم و روبه‌رویشان با آن‌ها حرف می‌زنیم و نه فقط امواج صدای ما، بلکه وجودمان را حس می‌کنند، متعلق به ماست. این، چیز خیلی مغتنمی است و تأثیر مضاعفی دارد.^۳


رهبر معظم انقلاب: مبدا کسی این‌طور تصوّر کند که با بودن رادیو و تلویزیون و ویدئو و این وسایل امروزی، دیگر منبر چه نقشی دارد؟ تبلیغ دین چه نقشی دارد؟ نه، آن تأثیری که گفتار یک انسان در یک مجلس، [به‌شیوه] روبه‌رو، با گزینش مخاطبین، با انتخاب مطلب لازم، در ذهن مخاطبین می‌گذارد، به‌کلی با هر نوع تبلیغ دیگر متفاوت است. این، نوع تبلیغی است که برکات الهی با آن هست. آثار مواجهه انسانی در آن هست. بسیار مهم است.

۱. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.


۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.

۳. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه وعاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

تبلیغ دین به شکل سنتی، یعنی همین حضور روحانی در جمع‌های مختلف مردم و استفاده از منبر دین و تبلیغ، یکی از مهم‌ترین ابزارها و نِعمی است که خدای متعال در اختیار شما قرار داده است. برای خدا و در راه خدا، باید حداکثر و بهترین استفاده را از آن بکنید.^۱

ربِّ عظیم  من به منبر خیلی عقیده دارم. امروز اینترنت، ماهواره، تلویزیون و ابزارهای گوناگون ارتباطی فراوان هست؛ اما هیچ‌کدام از این‌ها منبر نیست. منبر یعنی روبه‌رو و نفس‌به‌نفس حرف زدن؛ این یک تأثیر مشخص و ممتازی دارد که در هیچ‌کدام از شیوه‌های دیگر، این تأثیر وجود ندارد. این را باید نگه داشت؛ چیز باارزشی است؛ منتها بایستی آن را هنرمندانه ادا کرد تا بتواند اثر ببخشد.^۲

۴-۴. ابزار مقابله با هر جریان باطل

ربِّ عظیم  اگر روزی این طُلاب جوان، فضایی حوزه‌های علمیه، مبلغین، وعاظ، مداحان و روضه‌خوانان، توانسته‌اند ماجرای عاشورا را مثل حربه‌ای علیه ظلمات متراکم حاکم بر فضای زندگی همه بشر به‌کار گیرند و با این تیغ بُرنده الهی، پرده ظلمات را بشکافند و خورشید حقیقت را به‌شکل حاکمیت اسلام، واضح و آشکار کنند [که] این حقیقت در زمان ما اتفاق افتاده است، چرا نباید متوقع بود که در هر عصر و زمانی، هرچه هم که تبلیغات دشمن در آن دوره سخت، همه‌گیر و ظلمات «اشدّ تراکمًا» باشد، مبلغین و گویندگان و علمای دین، بتوانند علیه هر باطلی، شمشیر حق و ذوالفقار علوی و ولوی را در دست گیرند و از آن استفاده کنند؟! چرا ما چنین چیزی را مستبعد بدانیم؟!^۳

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.


۴-۵. بی‌اثرکردن تبلیغات حاکم بر جهان

رهبر معظم انقلاب: درست است که امروز تبلیغات دشمن، همه فضای ذهن بشریت را فرا گرفته است؛ در این شکی نیست. درست است که اموال کلانی برای تشویش چهره اسلام، به خصوص تشیع، خرج می‌شود. درست است که هرکس که منافع نامشروعی در زندگی ملت‌ها و کشورها دارد، خود را موظف به فعالیت علیه اسلام و حکومت اسلامی می‌بیند. درست است که کفر، با همه تفزق و تشتت، با استفاده از همه امکانات، در یک امر اتفاق کرده و آن ضدیت با اسلام ناب است و حتی اسلام محرف را هم به جنگ اسلام ناب آورده و به میدان کشانیده است. این‌ها همه درست؛ اما آیا جناح حق و جبهه اسلام ناب نمی‌تواند در مقابل این تبلیغات خصمانه و خباثت‌آلود، به برکت روح و پیام و حقیقت عاشورا و پیام محرم، همان معجزه را یک بار دیگر تکرار کند؟! چرا نتواند؟! سختی دارد؛ اما ممکن است. همت و فداکاری لازم دارد. راه باز است. بن‌بست نیست. مسئولیت ما و شما این است.^۱

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۵. وظایف اهل منبر

رب‌مظلم اعزالتب: وظیفهٔ علما و مبلغین و روحانیون و معممین، اینجا روشن می‌شود؛ البته روشن است و بحمدالله آقایان وظایفشان را خیلی خوب می‌دانند. ما هم نمی‌خواهیم وظیفهٔ علما را به آنان یادآور شویم؛ چون اهل علمند و خودشان می‌دانند. اینکه می‌گوییم، برای «تذکر» است. برای دانستن جوانان و تازه‌رسیدگان به این راه است که بدانند این راه، راه مبارکی است.^۱

رب‌مظلم اعزالتب: راه حسین  در کشور ما و میان ملت ما، در طول چند قرن، هرگز مسدود نشد و اگرچه مخالفین و معاندین بودند؛ اما نتوانستند کاری انجام دهند. با این همه، برکات این راه، خیلی زیاد است. اگر حقیقتاً جمع روحانیون و مبلغین و اصحاب بیان، آن گونه که شایستهٔ ماه محرم است، در این راه قدم بردارند و ابتکارها و نوآوری‌ها و تلاش مخلصانهٔ همراه با کارهای فکری و علمی ارزشمندی در این راه انجام دهند، برکات این راه، نسبت به آنچه که تاکنون بوده است، چندین برابر هم می‌تواند بشود؛ لذا وظیفه داریم در این زمینه، هرچه بشود، مشترکاً تلاش کنیم.^۲

۵-۱. وظایف فردی

۵-۱-۱. تجهیز به اندیشه‌های مستدل و ناب اسلامی

رب‌مظلم اعزالتب: روحانی باید با اندیشهٔ ناب اسلامی از بهترینش، مستدل‌ترینش و قوی‌ترینش مجهر باشد.^۳ ما این‌طور اندیشه‌ها و حرف‌ها، بسیار داریم: یک نفر مثل شهید مطهری (رضوان الله تعالی علیه)، یک جامعهٔ دانشگاهی را در مقابل خود، به قبول و اذعان و تسلیم وا می‌داشت. در همان دانشکده‌ای که آن بزرگوار تدریس

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانهٔ محرم، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانهٔ محرم، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.

۳. ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا﴾؛ به دنبال چیزی که به آن علم نداری مرو که همانا گوش و چشم و دل، همه دربارهٔ آن بازخواست می‌شوند. (اسرا، ۳۶).

می‌کرد، کسانی بودند که به‌طور صریح، ضدّ دین تبلیغات می‌کردند و درس می‌گفتند. آن بزرگوار نرفت با آن‌ها دعوا کند و دست به یقه شود. [بلکه] حرف زد، فکر داد، حقایق را گفت، از ذهنیت صحیح استفاده نمود و فضا را قبضه کرد.

پیش از انقلاب، این‌گونه بود؛ پیش از انقلاب، روحانیونی که با دانشگاه‌ها و محیط‌های فکری جوان و احیاناً مرتبط با افکار بیگانه اتصال داشتند، ابزاری که قدرت و زوری به آن‌ها بدهد نداشتند؛ اما فضا در قبضه آن‌ها و به دست آن‌ها بود. در یک مسجد، یک روحانی می‌ایستاد برای مردم حرف می‌زد و می‌دیدید کلاس‌های درس در دانشگاه، تعطیل یا خلوت می‌شد و می‌رفتند پای صحبت آن آقا که چهار کلمه تفسیر از او بشنوند یا شرح نهج‌البلاغه او را یاد بگیرند.

قبل از انقلاب، این‌گونه بود. ما باید این‌گونه خودمان را مجهز کنیم. منبرها این‌طور باید باشد. البته این، مخصوص منبرها هم نیست. من نسبت به همه مراسم عزاداری عرض می‌کنم. نوحه‌خوانی نیز همین‌طور است. روضه‌خوانی نیز همین‌طور است.^۱

۵-۱-۲. ایمان قلبی به محتوای سخنرانی

ما **خمسین** عزیران الله علیه من چند جمله راجع به تکالیف کلی روحانیون و اهل محراب و منبر باید عرض بکنم؛ آقایان روحانیون و خصوصاً اهل منبر [و] خطبا، این‌ها سخنگوی اسلام هستند. اگر حکومتی سخنگو می‌خواهد، سخنگوی اسلام آقایان خطبا هستند و وقتی می‌توانند آقایان خطبا، سخنگوی یک اسلامی باشند، آن اسلامی که همه چیز در آن هست، اگر خودشان را اسلامی کنند و مطالبی که گفته می‌شود، اسلامی باشد و از قلب پاکیزه اسلامی بیرون بیاید، این [خطیب] صلاحیت سخنگویی برای اسلام را دارد. سخنگوی دولت‌های دیگر هیچ کاری به این ندارند که این حرفی که تو می‌زنی، باورداری؟ از روی قلب است؟ به قلب هیچ کاری ندارند این‌ها؛ فقط کار دارند که این خوب صحبت بکند و مطالب دولت را خوب ادا بکند. حالا به حسب قلبش

۱. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

معتقد باشد یا نباشد، کاری به آن‌ها ندارد و از سخنگویی او هم چیزی کسر نمی‌شود. اما اسلام این‌طور نیست: اسلام آن قدری که به قلب اعتنا دارد، به زبان اعتنا ندارد. مرکز، قلب است. مرکز، لبّ انسانی است. اگر خدای نخواستہ شما حرف‌هایی که می‌زنید، هم‌هانش اسلامی باشد؛ لکن از یک قلب اسلامی بیرون نیاید، این [فرد] شایستگی برای سخنگویی در اسلام ندارد؛ ولو خیلی هم خوب صحبت بکند^۱ و اگر از قلب اسلامی بیرون بیاید؛ یعنی قلبی که اعتقاد دارد به مبانی اسلام، ایمان آورده است به اینکه اسلام همه‌چیز است و مکتب اسلام مکتبی است که تنها این مکتب و مکتب‌های الهی، که آن‌ها هم همه اسلام‌اند، این مکتب [ها] است که می‌تواند انسان‌ها را به همه ابعادی که دارد، تربیت کند و نظام را به همه ابعاد برقرار کند و انسان‌ها را برساند به آنجایی که مقام انسانیت است. با همچو اعتقادی، با همچو ایمانی اگر چنانچه خطیب خطبه بخواند و ملاً موعظه بکند و روحانی عمل بکند، اگر از روی یک همچو قلبی بیرون بیاید، روحانی، روحانی است [و] خطیب هم خطیب اسلامی است و اهل منبر هم سخنگوی اسلام هستند.^۲

امام خمینی رضوان الله علیه: شمای که سروکارتان با جان مردم است، باید کوشش کنید که جان خودتان را، قلب خودتان را اصلاح کنید، الهی کنید که وقتی که منبر می‌روید، مثل منبرهای حضرت امیر (سلام الله علیه) باشد؛ البته نمی‌شود؛ اما شیعه آن صاحب منبر حقیقی باشد که هرچه می‌گفت، از قلب الهی سرچشمه می‌گرفت.^۳

۱. راوی می‌گوید به امام صادق علیه السلام عرض کردم: «[نظر شما درباره] آیه: ﴿أَتَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَ تَنْهَوْنَ عَنْفُسِكُمْ﴾ چیست؟ امام، دست خود را روی حلقشان قرار دادند و فرمودند: «کالذابح نفسه؛ [کسی که مردم را به نیکی امر می‌کند و خود را فراموش می‌کند،] مانند کسی است که خود را ذبح می‌کند.» (محمد بن مسعود عیاشی، تفسیر العیاشی، ج ۱، ص ۴۳).

۲. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۵، ۱۷ تیر ۱۳۵۸.

۳. سیدروح الله موسوی خمینی، صحیفه نور، ج ۸، ص ۶۵، ۱۷ تیر ۱۳۵۸.

۵-۱-۳. دریافت حقایق و تجارب از اساتید تبلیغ

رهبر معظم انقلاب^{منظومه}: در روز اول هم که همین طبقه [طلاب و مبلغان]، این نهضت را گسترش دادند و با استفاده از آن حدیث شریف، اصحابشان را به نحل تشبیه کردند، این آیه در مقابل چشم انسان مجسم می‌شد که: ﴿وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنِ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ * ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ﴾^۱؛ حقایق را می‌مکیدند و عسل ناب را به تشنگان حقیقت می‌دادند که ﴿فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ﴾^۲. امروز هم همین است. امروز هم طلاب، فضلا و مبلغین جوان، با بهره‌گیری از تجربه‌های اساتید و بزرگان این فنون، کوله‌بار خودشان را محکم‌کنند و به امید خدا، برای خدا، در راه خدا و با قصد قربت، بروند و این حقایق را در همه‌جای کشور، در اقطار این کشور، در اقطار عالم با زبان مناسب بیان کنند.^۳

۵-۱-۴. مطالعه قبل از منبر

رهبر معظم انقلاب^{منظومه}: بنده مکرر عرض کرده‌ام: منبر بی‌مطالعه رفتن، منبری که انسان برود، بگوید: «حالا ببینیم چه خواهیم گفت» و هرچه به دهانش بیاید در منبر بگوید؛ گاهی حرف سست، گاهی خدای ناکرده نقلی نادرست، خدای ناخواسته حرفی که موهن مذهب باشد، ناسپاسی در حق عاشورا است.^۴

۵-۱-۵. دعوت با عمل، پیش از دعوت زبانی

رهبر معظم انقلاب^{منظومه}: ... ما در فلان شهر یا روستا برای تبلیغ وارد می‌شویم. رفتار، نشست و برخاست،

۱. «پروردگار تو به زنبور عسل وحی [و الهام غریزی] کرد که: 'از کوه‌ها و درختان و داربست‌هایی که مردم می‌سازند، خانه‌هایی برگزین * سپس از تمام ثمرات [و شیره گل‌ها] بخور و راه‌هایی را که پروردگارت برای تو تعیین کرده است، به راحتی بییما از درون شکم آن‌ها، نوشیدنی با رنگ‌های مختلف خارج می‌شود که در آن، شفا برای مردم است.» (نحل، ۶۸ و ۶۹).

۲. نحل، ۶۹.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۴. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

معاشرت، نگاه و عبادت ما، دلبستگی یا دل‌بسته‌نبودن ما به تنعمات دنیوی و خورد و خواب ما، رساترین تبلیغ یا ضدتبلیغ است. درست باشد، تبلیغ است. غلط باشد، ضدتبلیغ است. ما در محیط اجتماعی و محیط زندگی چطور می‌توانیم دل مردم را به منشأ گفتار خودمان مطمئن کنیم و اعتماد آن‌ها را برانگیزیم؛ درحالی‌که از مذمتِ شهادت دنیوی حرف می‌زنیم و در عمل خدای نکرده خودمان طور دیگری عمل می‌کنیم! از مذمت دل سپردن به پول و حرکت کردن و مجاهدت کردن در راه زیاده‌خواهی‌های دنیوی حرف می‌زنیم؛ اما عمل ما طور دیگری باشد! چطور چنین چیزی ممکن است اثر بکند؟! یا اثر اصلاً نمی‌کند یا اثرِ زودگذر می‌کند یا اثری می‌کند که بعد، با کشف واقعیت کار ما، درست به ضد اثر تبدیل می‌شود. بنابراین، عمل بسیار مهم است.^۲

۲-۵. وظایف اهل منبر در قبال مخاطبان

رهبر معظم منظومه منبرها و سخنرانی‌های جلسات شما سازنده باشد؛ یعنی به گونه‌ای باشد که اگر کسی مثلاً سه سال در هیئت شما رفت و آمد می‌کند، بعد از این مدت، عوام از این جلسه بیرون نرود. فهمیده و آگاه و با معلومات خارج شود. منبر باید آدم‌ساز و فکرساز باشد. البته من این نکته را باید به منبری‌ها بگویم و می‌گویم؛ اما به شما هم باید بگویم؛ چون شما سخنران را انتخاب می‌کنید... سخنران باید از اول دهه تا آخر دهه، یا در جلسات متناوب هفتگی و غیره، مثل یک کلاس درس، خطی را دنبال کند و نگوید [که این شیوه را] نمی‌پسندند.^۳

۱. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «مَنْ نَصَبَ نَفْسَهُ لِلنَّاسِ أَمَاماً فَلْيَنْدُبْ بِتَغْلِيهِمْ نَفْسَهُ قَبْلَ تَغْلِيهِمْ غَيْرَهُ وَ لِيَكُنْ تَأْدِيبُهُ بِسَيْرَتِهِ قَبْلَ تَأْدِيبِهِ بِلِسَانِهِ وَ مُعَلِّمُ نَفْسِهِ وَ مُؤَدِّبُهَا أَحَقُّ بِالْإِجْلَالِ مِنَ مُعَلِّمِ النَّاسِ وَ مُؤَدِّبِهِمْ؛ کسی که خود را رهبر مردم قرار داد، باید پیش از آنکه به تعلیم دیگران بپردازد، خود را بسازد و پیش از آنکه به گفتار تربیت کند، با کردار تعلیم دهد؛ زیرا آن کس که خود را تعلیم دهد و ادب کند، سزاوارتر به تعظیم است از آن که دیگری را تعلیم دهد و ادب بیاموزد» (نهج البلاغه، حکمت ۷۳).

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۳. بیانات رهبر معظم انقلاب در دیدار با مسئولین هیئت‌های رزمندگان اسلام در سراسر کشور،

در تبلیغ، باید دو چیز را با حداکثر اهتمام، مورد توجه قرار داد: یکی گزینش مخاطب و یکی گزینش محتواست... این دو، مرتبط و متصل به یکدیگر است.^۱

۵-۲-۱. شناخت و گزینش مخاطب

رب مظهر القلوب: در مورد انتخاب مخاطب، من می‌خواهم عرض کنم شاید لازم است که امروز، اکثریت نزدیک به همه مخاطبان منبرهای تبلیغی ما، جوانان باشند. نسل جوان! به چند دلیل: اولاً چون امروز جوانان در کشور ما اکثریت‌اند. جوانان در بعضی از کشورها اقلیت‌اند؛ ولی در کشور ما، به دلایل مشخصی که هست، امروز جوانان اکثریت‌اند؛ یعنی بیش از دوسوم مردم ما جوانان‌اند. خود شما هم جوانید. اکثر جزو همین نسل هستید. پس بیشتر از همه، آن‌ها را باید مخاطب قرار داد. این یک، دوم این‌که دشمنان این کشور [و] دشمنان این انقلاب و دشمنان دین، با توجه به همین حقیقت، مدت‌هاست که برای مخاطبین جوان برنامه‌ریزی می‌کنند. ممکن است ما غفلت کرده باشیم؛ اما دشمن ما غفلت نکرده است! سعی دارند به‌وسیله رادیوها، جزوه‌ها، ابزارها و روش‌هایی که متناسب با طبیعت جوان و شهوات قشرهایی از جوانان هم هست، دل‌ها و فکرهای آن‌ها را متوجه و تسخیر کنند و در آن‌ها اعمال نفوذ نمایند. این هم دلیل دیگری است که باید توجه بیشتر شما به جوانان باشد. دلیل سوم این است که جوان، آسان‌پذیر و زودپذیر است؛^۲ چون دل او نورانی است. هنوز آلودگی در دل‌های جوانان به قدر افرادی از قبیل بنده که سنی از آن‌ها گذشته است، نیست و سخت‌پذیر نشده‌اند. نورانی هستند؛ می‌توانند به راحتی حقیقت را درک کنند و بیابند و آن را بشنوند و بپذیرند. این هم دلیل دیگری برای گزینش این قشر است.

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۲. امام علی علیه السلام در وصیت به فرزندشان امام حسن علیه السلام توصیه می‌کنند: «إِنَّمَا قَلْبُ الْإِنْسَانِ كَالْأَرْضِ الْخَالِيَةِ مَا أَلْقِيَ فِيهَا مِنْ شَيْءٍ قَبِلَتْهُ فَبَادَرَتْكَ بِالْأَدَبِ قَبْلَ أَنْ يُقَسَّوْ قَلْبُكَ وَ يَشْتَعِلَ لُجُكُ؛ دل جوان، مانند زمین کشت‌ناشده است. آنچه در آن افکنده شود، می‌پذیرد؛ از این رو، پیش از آنکه دلت سخت گردد و ذهنت مشغول شود، به تربیت تو همت گماشتم» (سیدرضی، نهج البلاغه، نامه ۳۱).

پس، از اول که شما به فکر تبلیغ هستید و می‌خواهید مطالبی را برای بیان دین و اخلاق و هر آنچه باید گفته شود، انتخاب کنید، هدف را مخاطبه با جوانان قرار دهید. این، نوع محتوا را تحت تأثیر قرار خواهد داد.^۱

۵-۲-۱-۱. توجه به نیازهای فکری مخاطب با شناخت نیاز زمان

رب‌معلمنا من الله: در هر زمانی، هنر مبلغ دین این است که مخاطب را با آنچه که نیاز اوست، آشنا کند. بنابراین، نیاز زمانه^۲ را باید شناخت.^۳

رب‌معلمنا من الله: مخاطب، ممکن است قشرهای مختلفی از مردم باشند. وقتی که انسان در جمعی مشغول صحبت می‌شود، اگر بداند که مخاطب او کیست و مخاطب خود را انتخاب کند و آن مخاطب را مورد نظر قرار دهد،^۴ طبعاً محتوا را هم به تبع انتخاب مخاطب، به تناسب نیاز او انتخاب خواهد کرد.^۵

رب‌معلمنا من الله: این باید اساس کار تبلیغ ما باشد؛ اگر در دانشگاه‌ها تبلیغ می‌کنیم، اگر در نیروهای مسلح یا در قشرها و جوامع مختلف تبلیغ می‌کنیم، در هر جا که با مخاطبین خودمان مواجه هستیم، اول باید بدانیم که آن سؤال و استفهامی که در ذهن جوان است، چیست.^۶

۵-۲-۱-۲. پاسخ‌گویی به پرسش‌ها و شبهه‌های جوانان

رب‌معلمنا من الله: آقایان محترم، روحانیون، علما و خطبای گرامی و زحمت‌کش و ارزشمند،

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.
۲. امام صادق علیه السلام فرموده‌اند: «يَا مُفَضَّلُ الْعَالِمُ بِرَمَانِهِ لَا تَهْجُمُ عَلَيْهِ الْوَالِسُ؛ کسی که به اوضاع زمان خود آگاه است، گرفتار هجوم شبهات نمی‌شود» (محمد بن یعقوب کلینی، اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶).
۳. بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.
۴. امام علی علیه السلام چنین بیان می‌دارند: «أَحْسَنُ الْكَلَامِ مَا زَانَهُ حُسْنُ النَّظَامِ وَفَهْمَةُ الْخَاصِّ وَالْأَمَامِ؛ بهترین کلام، کلامی است که با نظم نیکویی زینت داده شده باشد و عوام و خواص آن را بفهمند» (عبدالواحد تیممی آمدی، غرر الحکم، ص ۲۱۰).
۵. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.
۶. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

امروز جوانان ما، با ذهن سیال خودشان سؤال‌هایی دارند. این سؤال‌ها را نباید حمل بر ایرادگیری کنید؛ تا یک جوان سؤال‌ی کرد، بگوییم: «آقا، ساکت!» گویا دارد کفر می‌گوید! جوان است. ذهن جوان، سیال است. افکار غلط و استدلال‌های نادرست، امروز در همه‌جای دنیا با توجه به روابط صوتی و بصری‌ای که وجود دارد، گسترده است. جوان ما، برایش سؤال به‌وجود می‌آید. چه کسی باید این را برطرف کند؟ من و شما باید برطرف کنیم. اگر شما نروید و آن خلأ فکری را به‌شکل درست پُر نکنید یا آن سؤال و اشکال را برطرف نکنید، کس دیگری می‌رود و به‌شکل غلط، جواب او را می‌گوید.^۱

رَبِّهِمْ رَبُّنَا رَبُّكَ اللَّهُ: امروز عموم جوانان کشور، از دختر و پسر گرفته تا زن و مرد و حتی غیرجوانان، ذهنشان باز است. اگر دیروز [یعنی] قبل از انقلاب، [فقط] جوانان دانشجو از این ویژگی برخوردار بودند، [اما] امروز [این ویژگی] مخصوص آن‌ها نیست و همه، مسائل را با چشم بصیرت و با استبصار نگاه می‌کنند و می‌خواهند بفهمند. یک بخش مهم از حادثه فرهنگی در جامعه امروز ما این است که این‌ها [جوانان] در معرض شبهات قرار می‌گیرند. یعنی دشمنان شبهه القا می‌کنند. دشمنان هم نه؛ منکرین فکر من و شما به القای شبهه می‌پردازند. مگر می‌شود گفت هرکس فکر ما را قبول ندارد، لال شود، حرف نزند و هیچ شبهه‌ای القا نکند؟ مگر می‌شود این‌طور گفت؟ به‌رحال حرف می‌زنند، مطلب می‌پراکنند، به ایجاد تردید می‌پردازند و شبهات درست می‌کنند. مهم این است که مطلبی که شما می‌گویید، برطرف‌کننده شبهه باشد^۲ و آن را زیاد نکند.^۳

۱. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

۲. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده‌اند: «لَيْسَ كُلُّ الْعِلْمِ يَسْتَطِيعُ صَاحِبَ الْعِلْمِ أَنْ يَفْسِرَهُ لِكُلِّ النَّاسِ لِأَنَّ مِنْهُمْ الْقَوِيَّ وَالضَّعِيفَ وَ لِأَنَّ مِنْهُ مَا يُطَاقُ حَمَلُهُ وَمِنْهُ مَا لَا يُطَاقُ حَمَلُهُ إِلَّا هَلْ يُسْهَلُ اللَّهُ حَمَلَهُ وَأَعَانَهُ عَلَيْهِ مِنْ خَاصَّةِ أَوْلِيَائِهِ؛ صاحبان علم نمی‌توانند هر علمی را برای همه مردم تفسیر کنند؛ چرا که در میان آن‌ها (مردم) قوی و ضعیف وجود دارد و برخی از علم را می‌توان تحمل کرد [طاقت تحمل آن وجود دارد]؛ اما برخی دیگر طاقت تحمل آن وجود ندارد؛ مگر آن علمی که خداوند حمل آن را برای بنده‌اش آسان می‌کند یا اینکه یکی از اولیای خدا در حمل آن به او کمک کند» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۶، ص ۱۴۲).

۳. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

رئیس‌مجلس ^{منظومه}: آن کس که می‌خواهد مخاطب خود را هدایت کند، ابتدا باید ببیند آن بخشِ جهالت او و آن بخشِ آسیب‌پذیر ذهن او کجاست. باید آن امواجی را که بر روی ذهن مخاطبین شما تلاش و کار می‌کند تا تخریب نماید، بشناسید تا بدانید جوان، چه چیزی را احتیاج دارد که به او بگویید. طوری نباشد که ده‌ها سؤال در ذهن مخاطب ما وجود داشته باشد و ما به جای پاسخ‌گویی به آن سؤال‌ها و استفهام‌ها، یک مطلب دیگر را که اصلاً برای او مورد سؤال نیست، مطرح کنیم.^۱

رئیس‌مجلس ^{منظومه}: البته مواردی هم پیش می‌آید که سؤال و استفهامی که در ذهن اوست، اهمیت کمی دارد و شما ترجیح می‌دهید چیز مهمتری را به او بگویید؛ البته باید همین‌طور عمل کنید؛ لیکن امروز که شبهات [و] سؤال‌ها و استفهام‌های گوناگون را به فکر قشرهای مختلف، علی‌الخصوص جوانان، تزریق می‌کنند، مبلغ دین بایستی آن شبهه را، آن موج مخرب و مفسد و مضر را بشناسد تا بداند که می‌خواهد علاج چه دردی را بکند و کدام خلأ را می‌خواهد پر کند.^۲

۲-۲-۵. محتوای قابل ارائه

۲-۲-۵-۱. مباحث اعتقادی

رئیس‌مجلس ^{منظومه}: امروز کدام محتوا مهم است؟ ما باید چه چیزی را در منبر تبلیغ، برای مردم بیان کنیم؟ می‌توان در یک کلمه گفت مباحثی که عقاید دینی آن‌ها را مستحکم و راسخ کند؛ لیکن همین جمله، قابل تفسیر و تبیین است.^۳

۲-۲-۵-۲. مباحث اخلاقی

رئیس‌مجلس ^{منظومه}: از جمله چیزهایی که به‌خصوص در رابطه با جوانان لازم است به آن‌ها گفته

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۲. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۳. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

شود و آن‌ها به آن هدایت شوند، سوق دادن آنان به اندیشیدن، تعقل، اخلاق اسلامی، حلم، اجتناب از شتاب‌زدگی و عجله در امور، اجتناب از تندخویی و اعمال خشونت است. در محیط اسلامی آن وقتی می‌شود حقایق را به اعماق دل‌ها نفوذ داد که زبان لین، رفتار اندیشمندانه و عاقلانه در میان باشد و حلم وجود داشته باشد. حلم، عبارت است از همان ظرفیت داشتن، به اصطلاح عمومی مردم، جنبه داشتن و در قضایای گوناگون، آتشی نشدن، در وقت اعمال غضب، غضب را اعمال نکردن که هر انسان عاقلی هم در جنگ‌ها و در برخورد با دشمنان، اعمال می‌کند؛ اما در زندگی روزمره، مبنای کار جامعه اسلامی بر تأمل، تدبیر، اندیشیدن، جوانب را دیدن، عاقلانه و منصفانه با قضایا مواجه شدن و شتاب‌زده نبودن در داوری است. این‌ها را به جوانان تعلیم دهید. جوانان را جوانان پرداخته و ساخته امت اسلام و اخلاق اسلامی بار آورید. این‌ها لازم است.^۱

اگر ما از لحاظ اقتصاد به بالاترین مقام برسیم و از لحاظ سیاست، همین اقتدار و عزتی را که امروز داریم، چندبرابر کنیم؛ ولی اخلاق‌های مردم ما، اخلاق‌های اسلامی نباشد، در میان ما گذشت، صبر، حلم و خوش‌بینی نباشد، اساس کار از بین خواهد رفت. اساس کار، اخلاق است. همه این‌ها مقدمه اخلاق حسنه است: «بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ»^۲.


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ: حکومت اسلامی برای این است که انسان‌ها در این فضا تربیت شوند، اخلاق آن‌ها تعالی پیدا کند، به خدا نزدیک‌تر شوند و قصد قربت کنند. سیاست هم قصد قربت لازم دارد. مسائل سیاسی هم قصد قربت لازم دارد. آن‌که در مسائل سیاسی چیزی می‌گوید و آن‌که چیزی می‌نویسد، آن‌که تحلیل می‌کند و آن‌که تصمیم می‌گیرد، بایستی بتواند قصد قربت کند.^۳




۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.


۲. «من مبعوث شدم که مکارم اخلاق را کامل کنم» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۲۷، ص ۳۷۲).

۳. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.



۵-۲-۳. تبیین اهداف قیام امام حسین

رَبِّهِمْ عَظِيمًا : تکلیف همه روحانیون، چه خطبایی که منبر تشریف می‌برند یا ائمه جمعه و جماعت و هر کس که با مردم سروکار دارد و با آنها صحبت می‌کند، این است که وضعیت قیام حضرت سیدالشهدا را به مردم درست بفهمانند که قیام برای چی بود و با چه عده‌ای قیام شد و با تحمل چه مصائبی آن قیام به آخر رسید که [در حقیقت] به آخر نخواهد رسید.^۱

رَبِّهِمْ عَظِيمًا : اگرچه بزرگان درباره فلسفه قیام امام حسین  بسیار گفته‌اند و نوشته‌اند و حرف‌های بسیار قیمی هم در این مقوله زده شده است؛ اما حقیقتاً یک عمر می‌شود سخن از این حقیقتِ درخشان گفت. هرچه درباره عاشورا و قیام امام حسین  فکر کنیم، متوجه می‌شویم که این قضیه، از ابعاد مختلف دارای کشش و گنجایش اندیشیدن و بیان کردن است. هرچه فکر کنیم، ممکن است حرف‌های جدید و حقایق تازه‌ای را بیابیم. این یک مقوله حرف که اگرچه در دوره سال گفته می‌شود و باید هم گفته شود؛ اما محرم خصوصیتی دارد و در ایام محرم، از این مقوله بیشتر باید سخن گفت و می‌گویند و ان شاء الله باز هم خواهند گفت.^۲

رَبِّهِمْ عَظِيمًا : تمام آثار و گفتار آن بزرگوار و نیز گفتاری که درباره آن بزرگوار از معصومین رسیده است، این مطلب را روشن می‌کند که غرض [از قیام عاشورا]، اقامه حق و عدل و دین خدا و ایجاد حاکمیت شریعت و برهم‌زدن بنیان ظلم و جور و طغیان بوده است...^۳

۵-۲-۳-۱. عمل به احکام دین

رَبِّهِمْ عَظِيمًا : امام حسین ... می‌فرماید: «وَيَعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْكَامِكَ»^۴

۱. بیانات امام در جمع گویندگان مذهبی و روحانیان قم و تهران، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

۲. بیانات در جمع روحانیان استان کهگیلویه و بویراحمد، در آستانه محرم، ۱۷ خرداد ۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظم تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۴. حسن حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۹.

هدف آن بزرگوار این هاست. حالا فلان آقا از گوشه‌ای درمی‌آید و بدون اندک آشنایی با معارف اسلامی و با کلمات امام حسین (ع) و حتی با یک لغت عربی، درباره اهداف قیام حسینی قلم‌فرسایی می‌کند که امام حسین برای فلان هدف قیام کرده است! از کجا می‌گویی؟! این کلام امام حسین (ع) است: «و یَعْمَلُ بِفَرَائِضِكَ وَ سُنَنِكَ وَ أَحْکَامِكَ»؛ یعنی امام حسین (ع) جان خودش و جان پاکیزه‌ترین انسان‌های زمان خودش را فدا می‌کند؛ برای اینکه مردم به احکام دین عمل کنند. چرا؟ چون سعادت، در عمل به احکام دین است؛ چون عدالت، در عمل به احکام دین است؛ چون آزادی و آزادی انسان، در عمل به احکام دین است. از کجا می‌خواهند آزادی را پیدا کنند؟! زیر چتر احکام دین است که همه خواسته‌های انسان‌ها برآورده می‌شود.^۱

۵-۲-۲-۳-۲. اصلاح جامعه

رب‌مظفر^{منظله} من در بین فرمایش‌های حضرت ابی‌عبدالله‌الحسین (علیه‌الصلاة‌و‌السلام) که هر کدام نکته‌ای دارد که به‌منظور بیان گفتارهای گویا و روشن‌گر برای مردم، از کلمات این بزرگوار باید حداکثر استفاده بشود... بنابراین آنچه که از آن بزرگوار نقل کرده‌اند، آن حضرت فرمود: «لَمْ یکنِ الذی کَانَ مِنَّا مُنَافِسَهُ فِی سُلْطَانٍ وَ لَا الِیْمَاسِ شَیْءٍ مِنْ فُضُولِ الْحُطَامِ»^۲؛ پروردگارا، این حرکتی که ما کردیم، این قیامی که ما کردیم، این تصمیمی که بر این اقدام گرفتیم، تو می‌دانی که برای قدرت‌طلبی نبود. قدرت‌طلبی برای یک انسان نمی‌تواند هدف واقع شود. [حضرت می‌فرماید که] نخواستیم زمام قدرت را در دست گیریم. [قیام ما] برای منال دنیوی هم نبود که چرب و شیرین زندگی را به کام خودمان برسانیم و شکمی از عزا درآوریم [یا] مال و ذخیره‌ای درست کنیم و ثروتی به هم بزنیم. [قیام ما] برای این‌ها نبود. پس برای چه بود؟ ایشان چند جمله فرموده است که خط و جهت ما را ترسیم می‌کند.

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۱۱۰.

در همه ادوار تبلیغ اسلام، این‌ها جهت است: «و لَکُنْ لِّئُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِینِکَ»؛^۱ پرچم‌های دین را برای مردم برافراشته کنیم و شاخص‌ها را به چشم آن‌ها بیاوریم. امام حسین علیه السلام هدف اول خود را این قرار می‌دهد: «و لَکُنْ لِّئُرَى الْمَعَالِمَ مِنْ دِینِکَ وَ نُظْهِرَ الْأَصْلَاحَ فِی بِلَادِکَ»؛^۲ در میان کشور اسلامی، فساد را ریشه‌کن کنیم و اصلاح به‌وجود آوریم. اصلاح یعنی چه؟ یعنی نابودکردن فساد. فساد چیست؟ فساد انواع و اقسامی دارد: دزدی فساد است. خیانت فساد است. وابستگی فساد است. زورگویی فساد است. انحراف‌های اخلاقی فساد است. انحراف‌های مالی فساد است. دشمنی‌های بین خودی‌ها فساد است. گرایش به دشمنان دین فساد است. علاقه‌نشان‌دادن به چیزهای ضددینی فساد است. [پس] همه‌چیز در سایه دین به‌وجود می‌آید.^۳

۵-۲-۲-۳-۳. ریشه‌کن کردن بنیان ظلم و جور

رَبِّ مِظَنِّ الظَّالِمِ: [امام حسین علیه السلام] می‌فرماید: «و یَأْمَنَ الْمَظْلُومُونَ مِنْ عِبَادِکَ»؛^۴ بندگان مظلوم تو امنیت پیدا کنند. منظور، مظلومان جامعه است، نه ستمگران، نه ستم‌پیشگان، نه مداحان ستم، نه عمله ستم! «مظلومون» مردمانی هستند که دست‌وپایی ندارند. راه به جایی ندارند. هدف این است که مردمان مستضعف جامعه و انسان‌های ضعیف در هر سطحی و در هر جایی امنیت پیدا کنند: امنیت حیثیتی، امنیت مالی، امنیت قضایی؛ همینی که امروز در دنیا نیست. امام حسین علیه السلام درست نقطه مقابل آن چیزی را می‌خواست که در زمان سلطه طواغیت در آن روز بود. امروز هم در سطح دنیا که نگاه می‌کنید، می‌بینید همین است؛ پرچم‌های دین را وارونه می‌کنند، بندگان مظلوم خدا را مظلوم‌تر می‌کنند و ستمگران، پنجه‌شان به خون مظلومان بیشتر فرومی‌رود.

۱. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۹.

۲. محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۹۷، ص ۷۹.

۳. بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.

۴. حسن حرانی، تحف العقول، ص ۲۳۹.

هدف از هر قیامی، هدف از هر انقلابی، هدف از هر قدرت اسلامی‌ای و اصلاً هدف از حاکمیت دین خدا، رسیدگی به وضع «مظلومون» و عمل به فریض [و] احکام و سنن الهی است.^۱

۵-۲-۲-۳-۴. اقامه حق و عدل با ایجاد حاکمیت دینی

در **مبطلات منطله**: حرکت امام حسین علیه السلام برای اقامه حق و عدل بود: «أَنْتَى لَمْ أَخْرُجْ أَشْرَأُ وَ لَا بَطْرًا وَ لَا مُفْسِدًا وَ لَا ظَالِمًا وَ إِنَّمَا خَرَجْتُ لِطَلْبِ الْإِصْلَاحِ فِي أُمَّةٍ جَدَى أُرِيدُ أَنْ أَمَرَ بِالْمَعْرُوفِ وَ أَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ...»^۲

در **مبطلات منطله**: در زیارت اربعین که یکی از بهترین زیارات است، می‌خوانیم: «و منح التَّصَحُّ وَ بَدَلَ مَهْجَتِهِ فَيَكُ لَيْسَتْ نَقْدَ عِبَادِكُ مِنَ الْجَهَالَةِ وَ حَيْرَةِ الضَّالِّهِ».

آن حضرت در بین راه، حدیث معروفی را که از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده‌اند، بیان می‌فرماید: «أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صلی الله علیه و آله قَدْ قَالَ فِي حَيَاتِهِ مَنْ رَأَى سُلْطَانًا جَائِرًا مُسْتَحْلًا لِحُرْمِ اللَّهِ نَاكثًا لِعَهْدِ اللَّهِ مُخَالِفًا لِسُنَّةِ رَسُولِ اللَّهِ يَعْمَلُ فِي عِبَادِ اللَّهِ بِالْإِثْمِ وَ الْعُدْوَانِ ثُمَّ لَمْ يَغْيِرْ بِقَوْلٍ وَ لَا فِعْلٍ كَانَ حَقِيقًا عَلَى اللَّهِ أَنْ يَدْخُلَهُ مَدْخَلَهُ»^۳ عَرَضُ، ادامه راه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و دیگر پیامبران بوده است که: «یا وارثِ آدَمَ صَفْوَةَ اللَّهِ يَا وَارِثَ نُوْحِ نَبِيِّ اللَّهِ...»^۴ و معلوم است که پیامبران هم برای چه آمدند: ﴿لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ﴾؛^۵ اقامه قسط و حق و ایجاد حکومت و نظام اسلامی.^۶

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.
۲. «من برای سرکشی و عداوت و فساد و ظلم از مدینه خارج نشدم؛ بلکه من به منظور اصلاح امت جدم قیام کردم؛ می‌خواهم به معروف، امر و از منکر، نهی کنم» (بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۲۹).
۳. پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله در زمان زندگی خود فرمودند: «کسی که سلطان ستم‌کشی را ببیند که حرام خدا را حلال بداند، عهد و پیمان خدا را بشکند، مخالف سنت رسول الله باشد، در میان مردم با گناه و عدوان رفتار نماید؛ اما آن شخص با قول و رفتار خود با سلطان مخالفت نکند، خدا حق دارد که شخص را هم در جایگاهی نظیر جایگاه آن سلطان داخل کند.» (محمدباقر مجلسی، بحار الأنوار، ج ۴۴، ص ۳۸۱).
۴. «ای وارث حضرت آدم، بنده برگزیده خدا، ای وارث نوح، پیامبر خدا...» (محمدبن علی بن بابویه قمی (شیخ صدوق رحمته الله علیه)، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۶۰۴؛ عباس قمی، مفاتیح الجنان، زیارت وارث، ص (۷۰).
۵. «ما رسولان خود را با دلایل روشن فرستادیم و با آن‌ها کتاب [آسمانی] و میزان [شناسایی حق از باطل و قوانین عادلانه] نازل کردیم تا مردم قیام به عدالت کنند» (حدید، ۲۵).
۶. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعت و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

امروز علاوه بر اینکه باید به مسائل اعتقادی اسلام پرداخت و اعتقاد به اسلام را در ذهن‌ها و دل‌ها راسخ نمود، باید اعتقاد به حاکمیت اسلام را هم راسخ کرد. این مطلب واضح است. این امری است که مسلمانان عالم در طول قرن‌های متمادی و به‌خصوص متفکرین بزرگ در قرن اخیر، از سیدجمال اسدآبادی تا اقبال لاهوری تا بزرگان فکر و اندیشه تا علمای بزرگی در داخل کشور خود ما دنبال آن بوده‌اند که دین خدا را حاکم کنند و این ادامه راه پیغمبران بوده است.

امروز دست‌ها، زبان‌ها، نوشته‌ها و امواج تبلیغاتی، در این امر واضح، ایجاد خدشه و درباره آن، سؤال ایجاد می‌کنند. بایستی این را در ذهن‌ها مستحکم کنید. باید بدانند که حاکمیت اسلام، یعنی حاکمیت عدل و علم و انصاف بر مجموعه انسان‌ها. حاکمیتی که می‌تواند هم جسم انسان‌ها، هم دل انسان‌ها، هم عواطف، اخلاق و زندگی واقعی و زندگی معنوی آن‌ها و هم دنیا و آخرتشان را آباد کند. حاکمیت دین یعنی این.

حاکمیت دین، در مقابل حاکمیت طاغوت است که ﴿وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ﴾^۱ حاکمیت طاغوت، حاکمیت فساد و حاکمیت ضایع کردن دین و دنیاست؛ نه فقط دین! کما اینکه در گذشته کشور خودمان از نزدیک شاهد [این] بودیم و کسانی که آن دوره را درک کردند، همه آن را حس نمودند. حاکمیت خدا، یعنی نجات و سعادت انسان‌ها. حاکمیت دین خدا، یعنی پاسخ‌گویی به نیازهای اساسی انسان‌ها. هر نیازی که انسان‌ها دارند: نیازهای معنوی، نیازهای مادی، فردی، اجتماعی، دنیوی، اخروی و همه‌وهمه، در ظل حاکمیت دین خدا تأمین می‌شود.

بر **مبطل** **عزت‌الله**: بایستی این‌ها را برای مردم، به‌خصوص برای جوانان تبیین کنید؛ اگرچه ملت ما بحمدالله این بخش مسئله را از بن دندان معتقدند، آن را پذیرفته‌اند، با همه

۱. «هنگامی که روی برمی‌گرداند [و از نزد تو خارج می‌شوند]، در راه فساد در زمین کوشش می‌کنند و زراعت‌ها و چهارپایان را نابود می‌سازند» (بقره، ۲۰۵).

وجود از آن دفاع کردند و در هشت سال دفاع مقدس، خون‌هایشان را در حاکمیت دین خدا دادند و امروز هم همان‌طور است؛ لیکن نباید از کید دشمن غافل شد. نباید از تلاش دشمن غافل شد. آن‌ها کار می‌کنند؛ برای اینکه در درازمدت، بهره آن را ببرند [و] استفاده آن را بکنند.^۱

۵-۲-۴. تبیین اندیشه سیاسی اسلام

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: خیال نکنند که می‌شود اسلام را تبیین کرد و از حاکمیت اسلام که امروز در این مرز و بوم متجسس شده است غافل ماند و آن را مغفول^{عنه} گذاشت. این، توصیه ما به شما عزیزان است.^۲

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: آنچه که از روایات مربوط به زندگی ائمه علیهم‌السلام به دست می‌آید و شواهد زیادی بر آن وجود دارد، این است که ائمه علیهم‌السلام جداً می‌خواستند نظام اسلامی به وجود آورند. این کار، آن‌طور که تصور می‌شود، با علم و معرفت امام منافات ندارد. آن‌ها واقعاً می‌خواستند نظام الهی برقرار کنند.^۳

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: ... مسئله اول، شکل دادن به یک آرمان سیاسی است که بتواند به فعالیت‌ها و تلاش‌های جوان‌های جهت بدهد؛ چون بدون آرمان، نه می‌شود درست زندگی کرد و نه تلاش انسان، منضبط خواهد بود. باید آرمان و خط روشن و افق واضحی در مقابل وجود داشته باشد که به انسان جهت بدهد.^۴

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: امام بزرگوار ما با ارائه مکتب سیاسی اسلام، خط بطلان بر همه تلاش‌های فرهنگی و سیاسی دشمنان اسلام، در طول یک قرن و نیم گذشته، کشید که سعی کرده بودند اسلام را به کلی از عرصه زندگی جامعه بیرون رانده و با طرح

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۲. آنچه از آن غفلت شده است.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۴. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعت و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۵. بیانات در دیدار با دانشجویان و اساتید دانشگاه‌های استان کرمان، ۱۹ اردیبهشت ۱۳۸۴.

نظریه جدایی دین از سیاست، دین داری را فقط پرداختن به عبادت و اعمال شخصی قلمداد کنند و با حذف اسلام از صحنه سیاست جهان، کشورهای اسلامی را عرصه غارتگری‌ها و تاخت و تازهای سیاسی و نظامی خود نمایند.

با ارائه و تعلیم و تبلیغ مکتب سیاسی اسلام که در آن هم نقش مردم و اراده و خواست آنان و هم نقش هدایت الهی و احکام سعادت بخش قرآنی در اداره زندگی عمومی و حکومت، مشخص گردیده و جایگاه ایمان و جهاد و اراده و تدبیر تبیین شده است، مبارزات گسترده مردم، سمت و سوی منطقی و فکری خود را یافت و امام حکیم فرزانه و شجاع، در موضع رهبر بی معارض، چون خورشیدی صحنه مبارزات را روشن کرد و سیل عظیم مردم به سوی میدان‌های نهضت اسلامی سرازیر شد.^۱

رهبر معظم انقلاب: مکتب سیاسی‌یی که امام آن را مطرح و برای آن مجاهدت کرد و آن را تجسم و عینیت بخشید، برای بشریت و برای دنیا حرف تازه دارد و راه تازه پیشنهاد می‌کند. چیزهایی در این مکتب وجود دارد که بشریت تشنه آنهاست؛ لذا کهنه نمی‌شود.^۲

رهبر معظم انقلاب: نسیم بیداری اسلامی در همه‌جای جهان اسلام وزیده و پانهادن اسلام به عرصه عمل، به مطالبه‌ای جدی بدل شده است. نظریه «اسلام سیاسی» جایگاهی والا در ذهن نخبگان یافته و در مدّ نگاه آنان، افق روشن و امیدبخش گشوده است.^۳

رهبر معظم انقلاب: ... در این شرایط شما می‌خواهید نظریه سیاسی اسلام و نظام جمهوری اسلامی، یعنی مردم‌سالاری دینی را به دنیا معرفی کنید. جمهوری، یعنی مردم‌سالاری اسلامی، یعنی دینی. بعضی خیال می‌کنند ما که عنوان مردم‌سالاری دینی را مطرح کردیم، حرف تازه‌ای را به میدان آوردیم. نه! جمهوری اسلامی یعنی مردم‌سالاری دینی. حقیقت مردم‌سالاری دینی این است که یک نظام باید با هدایت الهی و اراده مردمی

۱. پیام به ملت ایران به مناسبت بیستمین سالگرد انقلاب اسلامی، ۲۱ بهمن ۱۳۷۷.

۲. بیانات در مراسم پانزدهمین سالگرد ارتحال امام خمینی رحمته، ۱۴ خرداد ۱۳۸۴.

۳. پیام به کنگره عظیم حج، ۸ بهمن ۱۳۸۲.

اداره شود و پیش برود. اشکال کار نظام‌های دنیا این است که یا هدایت الهی در آن‌ها نیست، مثل به اصطلاح دمکراسی‌های غربی که ارادهٔ مردمی علی‌الظاهر هست؛ اما هدایت الهی را ندارند یا اگر هدایت الهی را دارند یا ادعا می‌کنند که دارند، ارادهٔ مردمی در آن نیست یا هیچ کدام نیست که بسیاری از کشورها این‌گونه‌اند؛ یعنی نه مردم در شؤون کشور دخالت و رأی و اراده‌ای دارند، نه هدایت الهی وجود دارد. جمهوری اسلامی، یعنی آنجایی که هدایت الهی و ارادهٔ مردمی توأم با یکدیگر در ساخت نظام تأثیر می‌گذارند. بر این نظریه، هیچ‌گونه خدشه و اشکالی در بحث‌های دانشگاهی و محافل تحقیقاتی وارد نمی‌شود؛ اما اگر شما بخواهید حقانیت این نظریه را برای مردم دنیا ثابت کنید، در عمل باید ثابت کنید. چالش عمدهٔ نظام جمهوری اسلامی این است.

عزیزان من، بدانید همهٔ تلاش دشمنان جمهوری اسلامی این است که این کار اتفاق نیفتد؛ یعنی... [ایران] برای کشورهای دیگر الگو نشود و نظریهٔ سیاسی اسلام در دنیا رواج پیدا نکند.^۱

۵-۲-۲-۵. تبیین ارتباط قیام حسینی با نهضت امام خمینی رحمته

رهبر معظم انقلاب: این خودش فصل عریض و قابل تعمقی است که تمسک به ذیل ماجرای عاشورا و مجاهدت سیدالشهداء (علیه‌الصلوة والسلام)، چه تأثیری در وضع انقلاب ما داشت. انسان وقتی در این مسئله غور می‌کند، از عظمت تأثیر آن حادثه به دهشت می‌افتد و فکر می‌کند کسانی که از آن محروم‌اند، این خلأ را چگونه می‌توانند پُر کنند.^۲

۵-۲-۲-۵. ریشه‌داشتن انقلاب اسلامی در قیام عاشورا

رهبر معظم انقلاب: این را باید همهٔ گویندگان توجه بکنند و ما باید همه متوجه این معنا باشیم که اگر قیام حضرت سیدالشهداء (سلام‌الله‌علیه) نبود، امروز هم ما نمی‌توانستیم پیروز بشویم.^۳

۱. بیانات در اجتماع بزرگ مردم شهرستان کاشان و آران و بیدگل، ۲۰ آبان ۱۳۸۰.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانهٔ محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. بیانات امام در جمع گویندگان مذهبی و روحانیان قم و تهران، ۲۵ مهر ۱۳۶۱.

رَبِّ عَظَمْتَ منظره: امروز این حادثه، پشتوانهٔ یک نهضت است. اگر امروز به ما بگویند ریشهٔ این نهضتی که به وجود آورده‌اید، کجاست؟ ما می‌گوییم: «ریشه‌اش پیامبر و امیرالمؤمنین و امام حسین علیه السلام است.» امام حسین کیست؟ کسی است که این حادثه را به وجود آورده و در تاریخ از او نقل شده است. پس این حادثه [عاشورا]، پشتوانهٔ این نهضت است.^۱

رَبِّ عَظَمْتَ منظره: ماجرای حسین بن علی علیه السلام حقیقتاً موتور حرکت قرون اسلامی در جهت تفکرات صحیح اسلامی بوده است. هر آزادی‌خواه و هر مجاهد فی سبیل الله و هر کس که می‌خواسته است در میدان خطر وارد بشود، از آن ماجرا مایه گرفته و آن را پشتوانهٔ روحی و معنوی خود قرار داده است. در انقلاب ما، این معنا به صورت بیینی واضح بود. معلوم نبود اگر ما این حادثه را نمی‌داشتیم، چطور می‌توانستیم در این معرکه حوض^۲ کنیم.^۳

رَبِّ عَظَمْتَ منظره: در طول قرن‌ها و در این چند قرن اخیر، در مجموع کشور ما، این بینش و این تذکر راجع به دین، به نام و مناسبت حسین بن علی علیه السلام وجود داشته است و در سطحی مردم را متذکر به دین نگهداشته است. این کانال کشی وسیع، در انقلاب به‌کار آمد. از این کانال کشی منظم در سطح کشور، تفکر انقلابی ما که مستند به حادثهٔ عاشورا هم بود، در همه‌جا گسترش پیدا کرد و مردم را وارد میدان نمود. اگر در این خصوص، کشور ما را با کشورهای دیگر اسلامی مقایسه کنید، در آنجایی که نام امام حسین علیه السلام وجود ندارد، فرق بین این دو را مشاهده خواهید کرد. این، خصوصیتی به جامعهٔ ما بخشیده است.^۴

رَبِّ عَظَمْتَ منظره: آخرین برکت عظیم حادثهٔ کربلا، همین انقلاب شکوهمند ماست. اگر حادثهٔ کربلا و اسوه‌گیری از آن نبود، این انقلاب پیروز نمی‌شد. امام بزرگوارمان که

۱. بیانات در دیدار با علما و ائمهٔ جماعت و جامعهٔ و عاظ تهران، در آستانهٔ محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۲. فرورفتن، تأمل کردن.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانهٔ محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۴. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانهٔ محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

در محرم سال ۵۷ فرمودند: «ماهی که خون بر شمشیر پیروز است»، این خط و این درس را از محرم دادند. سراغ جنگ هم که بروید، همین است.^۱

رهبر معظم انقلاب: این‌ها تأثیرات عاشورایی است. در طول زمان نیز همین‌طور بوده است. آنچه در زمان ما اتفاق افتاد، از همه این‌ها بالاتر بود؛ یعنی در عصر تسلط ظلم [و] کفر و الحاد بر سرتاسر عالم، در عصری که عدالت، خلاف قانون و ظلم، قانون و مقررات بین‌المللی شده است، حق به حکومت رسید. اینکه شما می‌بینید ابرقدرت‌ها زورگویی می‌کنند و می‌خواهند نظام جدیدی را بر دنیا حاکم کنند که البته همان نظام قبلی هم نظام حاکمیت ابرقدرت‌ها بود، این، همان سلطه ظلم است. برای هر آنچه در دنیا ظلم، حق‌کشی و تبعیض می‌شود، اسم‌های قانونی مثل «حقوق بشر»، «دفاع از ارزش‌های انسانی» و از این قبیل می‌گذارند. بدترین نوع سیطره ظلم این است که ظلم به اسم عدل و ناحق به اسم حق، بر دنیا مسلط شود. در چنین زمانی، ناگهان به برکت عاشورا، حجاب ظلمت شکافته و خورشید حقیقت آشکار شد. حق، به قدرت و حکومت رسید. اسلام که همه دست‌ها سعی می‌کردند آن را منزوی کنند، در وسط عرصه، خودش را مطرح کرد و دنیا مجبور شد که حضور اسلام راستین و ناب را در شکل حکومت جمهوری اسلامی بپذیرد.^۲

رهبر معظم انقلاب: در محرم سال ۱۳۴۲ امام بزرگوار ما از این ممشاء^۳ استفاده کرد و آن حادثه عظیم پانزده خرداد به‌وجود آمد. در محرم سال ۱۳۵۷ هم امام عزیز ما باز از همین حادثه الهام گرفت و گفت: «خون بر شمشیر پیروز است» و آن حادثه تاریخی بی‌نظیر، یعنی انقلاب اسلامی پدید آمد؛ این [الهام‌گرفتن] مال زمان خود ماست. جلوی چشم خود ماست؛ ولی در طول تاریخ هم این پرچم برای ملت‌ها پرچم فتح و ظفر بوده است و در آینده هم باید همین‌طور باشد و همین‌طور خواهد بود.^۴

۱. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و وعاظ، در آستانه محرم، ۳ خرداد ۱۳۷۴.

۳. روش و منش.

۴. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۵ بهمن ۱۳۸۴.

۵-۲-۲-۵. دشمن شناسی و آگاهی دادن نسبت به وجود دشمنان انقلاب

«بِعِظَمِ انْقِلَابِ» این نکته را هم بایستی در این مجالس و محافل تذکر داد که اگر چه ما امروز بحمد الله از لحاظ سیاسی، در موضع قوتیم و دشمن، یعنی استکبار، در موضع انفعال قرار دارد؛ اما این به معنای تمام شدن کید و مکر دشمن نیست. ﴿وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ﴾^۱ البته بر مبنای: ﴿قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ﴾^۲ جناح حق به خواست دشمن تسلیم نمی شود؛ ولی به هر حال، طبیعت دشمن را باید شناخت. ما نباید هیچ لحظه ای از کید دشمن غافل باشیم. این نکته را باید به مردم گفت. استکبار جهانی در طول این چند وقت، همواره نسبت به انقلاب و نظام جمهوری اسلامی، تهدیدهایی صریح و غیر صریح و مستقیم و غیر مستقیم داشته است. ملتی در مقابل تهدیدهای دشمن مطلقاً تحت تأثیر قرار نمی گیرد که با خدا ارتباط دارد و خودش را وابسته به خدا می داند. امروز، مصداق آن به صورت سیاسی و جمعی، نظام جمهوری اسلامی و ملت مسلمان ایران است. بنابراین، ما از تهدید دشمن به هیچ وجه دچار رعب نمی شویم و از هیچ دشمنی نمی ترسیم و از هیچ قدرتی در دنیا هراس نداریم.

دشمنان ما، عملاً نشان دادند که قادر نیستند به صورت جدی و قاطع به ما ضربه بزنند؛ به خاطر اینکه در این ده سال، هر کاری که می توانستند، کردند و ما امروز بحمد الله از همیشه قوی تر و پابرجا تر و در بین خود، امیدوارتریم. امروز، آینده برای ما از همیشه روشن تر است. ما از دشمن نمی ترسیم و دشمن هم قادر به ضربه زدن به ما نیست؛ اما همه این ها مشروط به حفظ هوشیاری و حضور آحاد مردم در صحنه است. این طور نباشد که مردم احساس کنند که حالا دیگر بحمد الله کارها تمام شد و هر کسی سراغ کار خود برود. نه، صحنه را نباید خالی کرد.^۳

۱. «هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد [تا وقتی که به طور کامل، تسلیم خواسته های آنان شوی و] از آیین [تحریف یافته] آنان پیروی کنی» (بقره، ۱۲۰).

۲. «بگو: 'هدایت، تنها هدایت الهی است» (بقره، ۱۲۰).

۳. سخنرانی در دیدار با علما و ائمه جماعات و جامعه و عاظ تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۵-۲-۲-۳-۵. پیوند فرهنگ بسیج و شهادت با عاشورا

رَبِّعَظْمَ الْأَنْعَامِ نَبَلُهُ: آقایان مبلغین، وعاظ، گویندگان مذهبی، خوانندگان و مداحان مذهبی، فراموش نکنند که در زمان ما، نمونه کاملی از حوادث عاشورا، همین بسیجی‌هایند. همین بچه‌ها و جوانان بسیج‌اند. این یادتان نرود. عده‌ای از آن‌ها شهید شدند، عده‌ای هم هستند. این‌هایی که هستند، اگر شهید نشدند به‌خاطر این نبود که از شهادت گریختند. به سراغ شهادت رفتند؛ اما شهادت به سراغشان نیامد. فراموش نشود که ماجرای عاشورا و محرم، با شهدای ما و با بقایای آن بسیجی‌ها که امروز بحمدالله از پیر و جوان در جامعه ما زیادند، پیوند دارد.^۱

رَبِّعَظْمَ الْأَنْعَامِ نَبَلُهُ: روحانیت محترم و مبلغین عزیز، در این ماه بزرگ [محرم] باید ابعاد مختلف قضایا را برای مردم روشن کنند و به آن‌ها تفهیم نمایند که دنیا و آخرت، در سایه دین به دست می‌آید. ارتباط با امام حسین (علیه‌الصلاة والسلام) و فهم معنا و مفهوم شهادت، هم به زندگی مادی و هم به زندگی معنوی انسان کمک می‌کند. یک ملت، اگر معنای شهادت را فهمید و دانست که برای آرمان‌ها چگونه می‌شود رفت و جان فدا کرد، آن وقت می‌تواند بی‌دغدغه و با استقلال زندگی کند؛ زیرا مرگ دیگر مانعی برایش نیست. اگر جز این باشد، دشمن او را از مرگ خواهد ترساند و مثل بعضی از کشورها، بعضی از دولت‌ها و بعضی از ملت‌هایی خواهد شد که در مقابل دشمنان، ضعف نفس نشان می‌دهند.^۲

رَبِّعَظْمَ الْأَنْعَامِ نَبَلُهُ: فرصت تبلیغ در ماه محرم الحرام، یک فرصت بسیار بزرگ و استثنایی است و این به برکت خون سید شهیدان و سرور آزادگان عالم حضرت اباعبدالله الحسین (علیه‌السلام) و یاران پاک‌باخته آن بزرگوار است. اثر آن خون به ناحق ریخته، یک اثر ماندگار در تاریخ است؛ چون شهید، [همان] کسی که جان خود را در طَبَقِ اخلاص می‌گذارد و تقدیم اهداف عالیّه دین می‌کند، از صفا و صدق برخوردار است. انسان مؤرور و خدعه‌گر، هرچه هم که در زبان و بیان بتواند خود را طرفدار حق

۱. بیانات در جمع علما و طلاب و روحانیان، در آستانه محرم، ۲۶ خرداد ۱۳۷۲.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۶ اردیبهشت ۱۳۷۵.

نشان دهد، وقتی پای منافع شخصی، به خصوص پای جان خود و عزیزانش به میان آمد، پا عقب می‌کشد و حاضر نیست آن‌ها را فدا کند. آن کسی که قدم در میدان فداکاری می‌گذارد و خالصانه و مخلصانه هستی خود را در راه خدا می‌دهد: «حَقَّ عَلَى اللَّهِ»؛ خودِ خدای متعال بر عهده گرفته است که زنده‌اش نگه ندارد. ﴿وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتٌ﴾^۱ [و] ﴿وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً﴾^۲؛ کشته‌شدگان راه خدا زنده می‌مانند. یک بُعد زنده ماندن آن‌ها همین است که نشانه آن‌ها، جای پای آن‌ها و پرچم آن‌ها هرگز نمی‌خوابد. ممکن است چند صباحی با زور و عنف و با دخالت قدرت‌های زورگو، نشانه‌های آن‌ها کم‌رنگ شود؛ اما خدای متعال طبیعت را این‌طور قرار داده است. سنت الهی بر این است که راه پاکان و صالحان و مخلصان بماند. اخلاص چیز عجیبی است؛ لذاست که به برکت حسین بن علی (علیه الصلاة والسلام) و خون به ناحق ریخته آن بزرگوار و اصحابش، دین در عالم باقی ماند؛ بعد از آن هم، این رشته ادامه پیدا کرد.^۳

۵-۲-۲-۴. تذکر نعمت انقلاب

رهبر معظم انقلاب^{علیه السلام} از جمله نکاتی که باید به مردم، به خصوص به جوانان بگویید، نعمت بزرگی است که خدای متعال به وسیله رهبر عظیم‌الشان و عظیم‌القدر و کم‌نظیر و حرکت عظیم ملت ایران در این انقلاب عظیم به ما داد. جوانان امروز، قبل از این انقلاب را ندیدند، با آن آشنا نیستند و نمی‌دانند در این مملکت چه بود و چه دلتی بر ملت ایران حاکم بود. در پنجاه سالِ آخرِ قبل از انقلاب، دو نفر در این مملکت حکومت کردند، پدر و پسر، که هر دو را بیگانگان بر سر کار آوردند. رضاخان را انگلیسی‌ها از میان فوج قزاق پیدا کردند؛ [چون] به یک قلدر بی‌باک و بی‌محابا احتیاج داشتند، [و] آوردند

۱. «به آن‌ها که در راه خدا کشته می‌شوند، مرده نگویید؛ بلکه آنان زنده‌اند؛ ولی شما نمی‌فهمید» (بقره، ۱۵۴).

۲. «ای پیامبر! هرگز گمان مبر کسانی که در راه خدا کشته شدند، مردگانند؛ بلکه آنان زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند» (آل عمران، ۱۶۹).

۳. بیانات در دیدار با علما و روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۳ فروردین ۱۳۷۸.

و دست او سلاح دادند! دست، پشتش زدند. او را آوردند تا به مقام سلطنت رسانند؛ بعد مقاصد خودشان را به وسیله او اعمال کردند! آن کاری را که می‌خواستند در این مملکت بکنند، به وسیله او کردند. آن ضربه‌ای را که می‌خواستند به دین، به روحانیت، به سنت‌های قدیمی و ملی این کشور و به پایه‌های دینی و اعتقادی این کشور بزنند، به وسیله او زدند. چون آدم بی‌باک و گستاخی بود، به درد آن‌ها می‌خورد! انگلیسی‌ها مدت‌ها، از قبل از مشروطیت، دنبال وسیله نفوذی در این کشور می‌گشتند؛ اما نمی‌شد. بیشتر هم علما مانع نفوذ بودند. این آدم، آدمی بود که می‌دانستند در برخورد با علما، گستاخ و بی‌باک است. او را بر سر کار آوردند و هر کار خواستند، به وسیله او انجام دادند. بعد هم چون دیدند که از لحاظ سیاسی به سمت دیگری گرایش پیدا می‌کند، او را برداشتند و پسرش را جایش گذاشتند!

برای یک ملت، برای ملت ایران، هیچ ننگی بالاتر از این نیست که حکام، فرمانروایان، سیاستمداران و سررشته‌داران امور کشور را دولت انگلیس به وسیله سفارتخانه خود بیاورد و ببرد! کدام ننگ برای یک ملت، از این بالاتر است؟! خاطراتی را که از عناصر دوران پهلوی نوشته‌اند، بخوانید. بعد از آنکه در سال ۱۳۲۰ رضاخان را بردند، پسر او محمدرضا تا چند روز نمی‌دانست که آیا پادشاه خواهد بود یا نه. کسی را به سفارت انگلیس فرستاد، آن‌ها گفتند که بله، عیبی ندارد، پادشاه باشد، به شرطی که فلان کار را نکند و فلان کار را نکند! خوشحال شد. این‌ها حقایق این کشور است. پنجاه سال حکومت ایران که حکومت دیکتاتوری، سلطنتی، طاغوتی، فاسد و آن چنانی بود، به وسیله دو نفری انجام گرفت که آن‌ها را بیگانگان بر سر کار آوردند و مردم هیچ نقشی نداشتند. قبل از آن هم که حکومت قاجار و حکومت سلاطین بود. شرح حال این سلاطین را ببینید! مردم که هیچ، مردم که اصلاً برای آن‌ها قابل ذکر نبودند! عمال دولت را از صدراعظم تا پایین، نوکران خودشان می‌دانستند و به آن‌ها می‌گفتند: «شما در بین نوکران ما چنین هستید، چنان هستید!» چنین حکومت‌هایی بر این کشور حاکم بوده‌اند.

این برای اولین بار در طول قرون متمادی است که به برکت انقلاب در این کشور، حکومت‌هایی سر کار می‌آیند که ملاک مسئولان حکومت‌ها، علم، تقوا، عدالت، مردم‌دوستی و گزینش مردم است. [مسئولانش] با مردم‌اند؛ برای مردم و در خدمت مردم‌اند؛ اهل سوءاستفاده، دزدی و سرسپردگی به دشمن نیستند. این حقایق در تاریخ طولانی ایران، قرن‌ها سابقه نداشته است. این‌ها را اسلام و انقلاب به این ملت داد. این‌ها را باید برای نسل جوان تشریح کنید [تا] بدانند کشور ایران چه بود و چه شد! از کجا به کجا آمد! امروز تفاله‌های همان رژیم‌های وابسته فاسدِ ذلیلِ توسری‌خوردهٔ حقیر، در دامن همان ارباب‌هایی که آن روز به ایشان پول می‌دادند، نشسته‌اند! امروز هم به ایشان پول می‌دهند، میکروفون دستشان می‌دهند، با ایشان مصاحبه می‌کنند، پخش می‌کنند، رادیو و روزنامه درست می‌کنند؛ آن وقت به فلان نقطهٔ جمهوری اسلامی [یعنی] یک گوشه از نظام عظیم و دستگاه عریض و طویل حکومت اسلامی اشکالی را وارد می‌کنند و آن را بزرگ و در رادیوهایشان پخش می‌کنند! باید جوانان این‌ها را بدانند. این‌ها نکات مهمی است. امروز تبلیغ دین و تبیین حقایق، بایستی این چیزها را هم در برگیرد و شامل این چیزها هم بشود.^۱

۵-۲-۲-۶. توصیه به وحدت کلمه

رهبر معظم انقلاب^{منظله}: نکتهٔ بعدی که باید در این مجالس مورد توجه قرار بگیرد، همین مسئلهٔ وحدت کلمهٔ آحاد مردم است... . حالا که خدا این نعمت را به ما داده است، باید حفظش کنیم. اولاً در جلساتی که تشکیل می‌شود، از طرف خود گویندگان، سخن و اشاره و حرکتی که به اختلافی اشاره کند، مطلقاً نباید وجود داشته باشد. هیچ بهانه‌ای مجوز این نمی‌شود که ما در جلسه‌ای، چیزی را که ممکن است بین دو دسته از مردم، اختلافی به وجود آورد، مطرح کنیم. در قضایای سیاسی و دینی و در مسائل مربوط به دولت و روحانیت و مرجعیت و رهبری و دیگر مسائلی که می‌تواند بین مردم،

۱. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانهٔ محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

اختلاف و شکاف و دودستگی و بگومگو ایجاد کند، نباید سخنی از گویندگان مذهبی صادر شود که وحدت کلمه مردم را خدشه دار کند؛ بلکه به عکس، گویندگان مذهبی کوشش کنند که فضا، فضای محبت آمیز باقی بماند و همکاری بین مسئولان و مردم و نیز وحدت کلمه، توصیه بشود.^۱

رهبر معظم انقلاب: از جمله چیزهای مهمی که بایستی در تبلیغات، مردم را به آن توجه دهید، مسئله وحدت و اتفاق و اتحاد ملت است.

عزیزان من، امروز وقتی که من به امواج تبلیغاتی دشمنان نگاه می‌کنم و نیز به آنچه که به تبع آن‌ها بعضی از انسان‌های غافل یا مغرض و بددل ترویج می‌کنند، [می‌بینم] همین خط اختلاف، خط ایجاد تشنج و ایجاد درگیری آحاد مردم و بزرگ کردن چیزهای کوچک است. مبادا در منابر عمومی، در آنجایی که بایستی دین و اخلاق تبلیغ شود، مسائل اختلافی را مطرح و اختلاف‌ها را بزرگ کنید. دشمن سعی می‌کند اختلافات کوچک را بزرگ جلوه دهد. از اوّل انقلاب، این‌طور بوده است و فقط امروز نیست. از اوّل انقلاب، از قبل از جنگ، حتی در دوران جنگ با حضور امام بزرگوار، همیشه این‌طور بوده است. سعی می‌کردند چیز کوچکی را به عنوان سندی بر وجود اختلاف و شکاف، با شیوه‌های روان‌شناسانه تبلیغی، آن‌چنان بزرگ جلوه دهند که هر کس گوش می‌کند، خیال کند که در کشور، غوغایی از زدو خورد و اختناق است؛ درحالی‌که چنین چیزی نبود. الان هم نیست.^۲

۶. لزوم ایجاد سازوکار مناسب برای سازماندهی نهاد منبر

رهبر معظم انقلاب: گمان من این است که ما امروز در قبال نهاد منبر، یک وظیفه جدید داریم: یک سازماندهی و یک قاعده و ضابطه لازم است.^۳

رهبر معظم انقلاب: امروز در بسیاری از زمینه‌ها ضابطه وجود دارد. خوشبختانه حوزه‌های

۱. بیانات در دیدار با علما و ائمه جماعت و جامعه و عاظم تهران، در آستانه محرم، ۱۱ مرداد ۱۳۶۸.

۲. بیانات در دیدار با علما و روحانیان، در آستانه محرم، ۲ اردیبهشت ۱۳۷۷.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

علمیه و در رأس آن‌ها حوزه مبارکه علمیّه قم، در جهت سازماندهی و طبقه‌بندی و مراتب‌سازی پیش می‌رود. این، حرکت مبارکی است که اگرچه دیر آغاز شده؛ اما بالاخره شروع گردیده است. در این میدان هم چنین کاری بایستی انجام بگیرد. البته دشوار است و فکر و زحمت و پشتکار لازم دارد؛ اما باید بشود. آن نسلی که می‌خواهد از سخن دینی ما استفاده کند، اگر ما آن را پیراسته نکنیم، از ما نمی‌گذرد.^۱

۶-۱. متولیان سازماندهی

رهبر معظم انقلاب منظومه: این قاعده و ضابطه، بایستی به‌وسیله معمران این فن و خبرگان این میدان و کسانی که سالیان درازی در این راه بوده‌اند و جوانب گوناگون آن را سنجیده‌اند و نیز فضلا و آگاهان به شرایط زمان، برقرار بشود.^۲

۶-۲. اهداف مطلوب در سازماندهی نهاد منبر

رهبر معظم انقلاب منظومه: تقریباً در صد سال پیش، مرحوم حاج میرزا حسین نوری، کتابی به نام *لؤلؤ* و مرجان؛ در شرایط پله اول و دوم منبر روضه‌خوانان نوشت. آن زمان، یک محدث که دلسوز، روشن فکر و آگاه بود، به فکر این بود که پله اول و دوم منبر، هرکدام شرایطی دارد. بی شرط نمی‌شود وارد این میدان شد. شاید در آن روز، روضه‌خوانان و مرثیه‌خوانان روی پله اول و وعاظ روی پله دوم می‌نشستند.

آن روز، آن بزرگوار می‌نوشت و در محدوده دید آن زمان می‌دید؛ اما امروز شما در یک محدوده وسیع‌تر می‌بینید و می‌توانید آن را عمل بکنید: چه کسی به‌صورت مجاز منبر برود و مورد قبول جامعه‌ای که بر این کار نظارت دارد، باشد؟ چه بگوید؟ کی و کجا بگوید؟ این، به معنای نسخه‌نویسی و دست این و آن دادن نیست. در کشورهای اسلامی دیگر این‌گونه است که مأموران دولتی چیزی را می‌نویسند و در اختیار امام‌جمعه‌ای می‌گذارند و می‌گویند این را بخوان. نه! تفکر و مطالعه و بررسی و استفاده از اساتید فن و پیشکسوت‌های این میدان لازم است و باید با معیارهایی،

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

مناسب‌گویی و درست‌خوانی، با هدف اصلاح خواندن و گفتن، انجام بگیرد.^۱

رهبر معظم انقلاب: هر سخن ضعیف و سستی گفته نشود. هر معرفت بی‌فایده یا کم‌فایده‌ای، جای معارف پُر فایده را نگیرد. اقتضای زمانه و نیاز مردم به معارف دینی، مورد توجه قرار بگیرد. حادثه عاشورا که در باب جهاد و مبارزه فی سبیل الله، ام‌المعارف است و پایه اصلی انقلاب ماست، به صورت پیراسته بیان بشود. حقایق در آن جلوه کند و اضافاتی که احیاناً در گوشه و کنار از زبان‌ها یا قلم‌هایی تراوش کرده و شنیده و خوانده شده است، کنار برود. مسئله عاشورا شوخی نیست. نمی‌شود این قضیه با آن عظمت را با خرافات آمیخت و انتظار تأثیر کامل داشت. امروز، روزی است که باید این کارها انجام بگیرد.^۲

۶-۲-۱. به‌روزآوری روش‌های ارائه معارف

رهبر معظم انقلاب: امروز دنیا در زنده‌ترین مسائل و علوم مورد احتیاج مردم، ساعت به ساعت روش‌های نو را پیش می‌آورد. واقعاً در بسیاری از علوم که در میدان و صحنه تبادل نظر هست، شما اگر امروز نظریه‌ای را خواندید، یک ماه بعد نمی‌توانید به‌عنوان آخرین نظریه به آن تکیه کنید. روش‌ها دائماً عوض می‌شود و حرف‌ها نوبه‌نو می‌آید. ما چطور می‌خواهیم حرف حق خودمان را به همان شیوه و روشی که با مردم پنجاه سال یا صد سال پیش گفته می‌شد، امروز در میان بگذاریم؟ امروز حتی با قبل از انقلاب فرق دارد. منبری که در روزهای پیش از انقلاب، در سال‌های ۵۵ و ۵۶ و ۵۷ می‌توانست مفید و مؤثر باشد، ممکن است امروز در همه‌جا آن قدر مفید و مؤثر نباشد؛ البته بعضی از معارف هست که به هر زبانی و در هر شرایطی بیان بشود، گیرایی دارد؛ اما این عمومیت ندارد. این، آن نکته اساسی است که خواستم در باب مسائل منبر و اهل منبر عرض کنم و خلاصه‌اش، پیشبرد این فن شریف از لحاظ محتوا و قالب و روش‌ها و اسلوب‌هاست.^۳

۱. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۲. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.

۳. بیانات در دیدار با روحانیان و مبلغان، در آستانه محرم، ۲۰ تیر ۱۳۷۰.